

پایان حاکمیت منطقه‌ای گروه تروریستی «داعش» در سوریه!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

روز پنج‌شنبه ۲۱ مارس ۲۰۱۹ - یکم فروردین ۱۳۹۸، نیروهای دموکراتیک سوریه، آخرین مواضع داعش را در سوریه تسخیر کردند و به این ترتیب، دیگر داعش هیچ منطقه‌ای از روستاها و شهرهای سوریه و هم‌چنین عراق را در اختیار ندارد. روستای باغوز در شرق سوریه در مرزهای این کشور با عراق، توسط نیروهای دموکراتیک سوریه از وجود نیروهای داعش پاک شدند. نیروهای دموکراتیک سوریه از پیکارگران کرد و عرب به فرماندهی یگان‌های مدافع خلق زن و مرد روژآوا (کردستان سوریه) تشکیل شده است.

نیروهای دموکراتیک سوریه حدود دو ماه پیش، از «حمله نهایی» به مواضع داعش خبر داده بود اما بعدها گفتند با توجه به سپر انسانی که داعش برای خود ایجاد کرده مجبور شده‌اند از سرعت حملات کم کنند.

کینو جبرائیل، سخنگوی نیروهای سوریه دموکراتیک پیش‌تر و در این‌باره به خبرنگاران گفته بود از زمانی که نیروهای یگان‌های مدافع خلق کرد روستای الباغوز و مناطق مجاور آن در کرانه رود فرات را به محاصره درآورده‌اند، نزدیک به ۲۹ هزار و ۶۰۰ نفر که اغلب آن‌ها از خانواده‌های اعضای گروه داعش هستند، خود را تسلیم کرده‌اند.

مظلوم کوبانی، فرمانده کل نیروهای سوریه دموکراتیک سوریه، شنبه ۳ فروردین - ۲۳ مارس که در مراسم اعلام پیروزی بر گروه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) سخنرانی می‌کرد در اظهاراتی با خطاب قرار دادن دولت مرکزی سوریه عنوان کرد: از دولت مرکزی سوریه می‌خواهیم مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه به‌صورت خودگردان اداره شود.



مظلوم کوبانی، در ادامه سخنان خود در پیامی به ترکیه نیز گفت: از حکومت ترکیه می‌خواهیم تا در امور داخلی سوریه دخالت نکرده و نیروهای خود را از سوریه خارج کند. ما از پیروزی پنج میلیون انسان با هویت‌ها و اقلیت‌های مختلف در شمال و شرق سوریه و آزادسازی ۵۲ هزار کیلومتر از سرزمین‌های سوریه مفتخر هستیم.

کوبانی با اشاره به اجن‌باختن ۱۱ هزار مبارز دموکراتیک سوریه در پنج سال جنگ با نیروهای داعشی تصریح کرد: در طول این روند ۲۱ هزار نیروی دموکراتیک سوریه نیز زخمی شده‌اند. هم‌چنین از حمایت‌های نیروهای ائتلاف بین‌المللی علیه داعش در این روند نیز تشکر می‌کنیم.

از سویی دیدبان حقوق بشر سوریه نیز ویدیویی را از ادامه درگیری‌ها در منطقه محاصره شده الباغوز منتشر کرده بود. در این ویدیو صحنه‌هایی از خروج عناصر داعش از تونل‌های زیر زمینی به تصویر درآمده است که بعضی از این افراد مسلح با «لباس زنانه» از این تونل‌ها خارج شده‌اند.

شایان ذکر است نیروهای دموکراتیک سوریه، پیش‌تر اعلام کرده بودند که از زمان آغاز حمله نهایی برای تسلط بر الباغوز که از دو ماه پیش آغاز شده تاکنون نزدیک به ۶۰ هزار تن که اغلب آن‌ها افراد غیرنظامی هستند از آخرین منطقه تحت تصرف داعش در شرق سوریه فرار کرده‌اند.

افرادی از باغوز گریخته‌اند به کمپ هوله انتقال داده شده‌اند. بعد از کمپ روژ، اردوگاه دیگر به نام هوله در منطقه‌ی جزیر تاسیس شد. این اردوگاه در سال ۲۰۱۶ برای اسکان پناهندگان عراقی ایجاد شد و از کمپ روژ بسیار بزرگ‌تر است. از آن‌جا که بخش خانواده‌های داعشیان در کمپ روژ پر شده است، در کمپ هوله بخش دیگری ایجاد شده است اکنون غیر نظامیان و خانواده‌های داعش که از منطقه باغوز تسلیم شده‌اند، به این کمپ فرستاده می‌شوند. ظرفیت این اردوگاه ۴۰ هزار نفر بوده است، اما از ۸ مارس شمار ساکنان این اردوگاه به ۶۵ هزار نفر رسیده است. جمعیت این کمپ روزها بیش‌تر است، مسئولان کمپ و هلال احمر کردستان همراه با برخی از سازمان‌های دیگر بسیج شده‌اند؛ شمار تبه‌کاران داعش در این کمپ به ۶ هزار نفر می‌رسد.

البغدادی رهبر داعش

به‌گزارش اسپوتنیک روسیه، یک منبع امنیتی عراقی اعلام کرد: ابوبکر البغدادی رییس گروه داعش (گروه تروریستی ممنوعه در روسیه) پس از ترور تافرجام در منطقه الباغوز سوریه از این منطقه فرار کرده است.

این منبع بیان کرد: یکی از سرکرده‌های داعش که عراقی است به نیروهای سوریه دموکراتیک گفت که یک بمب در مسیر حرکت ابوبکر البغدادی در اطراف الباغوز کار گذاشته شده بود که تا وی ترور شود اما البغدادی متوجه شد و به‌دنبال آن فوراً از منطقه الباغوز گریخت. البغدادی به‌شدت احساس خطر می‌کند به‌ویژه که مشکلات داخلی داعش افزایش یافته و برخی به‌دنبال کشتن وی و جانشینی‌اش هستند. بسیاری از کسانی که طی روزهای گذشته از منطقه الباغوز سوریه خارج شده‌اند به‌طور رسمی و غیررسمی، بیعت خود را با ابوبکر البغدادی شکسته‌اند.

پیش از این در خبرها آمده بود که روزنامه گاردین در مقاله‌ای اعلام نمود که برخی منابع در دستگاه‌های اطلاعات غربی گفتند که تلاش برای کودتا علیه البغدادی دهم ماه ژانویه گذشته در شهرکی در نزدیک منطقه هجین در استان دیرالزور سوریه اتفاق افتاد. در جریان این کودتا، جنگجویان خارجی داعش به‌طور عمدی به تبادل آتش با محافظان شخصی البغدادی پرداختند، اما او توانست از این عملیات جان سالم بدر برده و به منطقه‌ای در مجاورت صحراء منتقل شود. در این درگیری دو نفر کشته شدند که یک منبع اطلاعاتی گفت: یکی از این دو نفر، نزدیک البغدادی قرار داشت. داعش برای کشتن ابو معاذ الجزائری که به احتمال زیاد یکی از ۵۰۰ جنگجوی گروه تروریستی داعش است، پاداش تعیین کرد.

نام واقعی «ابوبکر البغدادی»، «ابراهیم عواد ابراهیم البدری» است. او به‌عنوان واعظ و امام جماعت مسجد در شهرهای سامرا، بغداد و فلوجه عراق فعالیت می‌کرد.

نیروهای نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۴، او را بازداشت کردند و او برای سه سال در زندان بود. پس از این او از زندان خارج و سازمانی تحت نام ارتش اهل سنت را بنیان گذاشت و بعد از آن به القاعده پیوست.

پس از حوادث سوریه، جبهه النصره در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی اعلام موجودیت کرد و طولی نکشید که توانمندی این گروه تروریستی با توجه به حمایت‌های گسترده برخی کشورهای منطقه‌ای به‌طور چشمگیری افزایش یافت تا در طی چند ماه به یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین گروه‌های مسلح در سوریه تبدیل شد. در روز نهم آوریل ۲۰۱۳ میلادی، در یک پیام صوتی که از طریق شبکه موسوم به شموخ الاسلام پخش شد، ابوبکر البغدادی ادغام آن را با دولت اسلامی عراق تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام اعلام کرد و نفوذ این گروه تروریستی به سبب حمایت‌های گسترده حامیان منطقه‌ایش روزبه‌روز در سوریه بیش‌تر شد.



در سال ۲۰۰۴ میلادی، تشکیل گروه «جماعه توحید و جهاد» به رهبری «ابومصعب الزرقاوی» در عراق اعلام شد و بیعت آن با «اسامه بن لادن» رهبر سابق «القاعده»، این گروه را به شاخه سازمان القاعده در عراق تبدیل نمود. این گروه با گسترش عملیات خود به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در عراق تبدیل شد، تا این‌که الزرقاوی در سال ۲۰۰۶، در اظهاراتی ضبط شده به‌صورت مصور از تشکیل «شورای مجاهدین» به رهبری «عبدالله رشید البغدادی» خبر داد. پس از مرگ زرقاوی در سال ۲۰۰۶، «ابوحزمه المهاجر» به‌عنوان رهبر این گروه تعیین شد.

سپس در پایان همین سال نیز گروه «دولت اسلامی عراق» به ریاست «ابوعمر البغدادی» تشکیل شد. تشکیل دولت اسلامی عراق در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶، در پی نشست چندین گروه مسلح اعلام شد که در چارچوب معاهده موسوم به «حلف المطیبین»، ابوعمر البغدادی را به‌عنوان رهبر این گروه جدید انتخاب کردند. این گروه از زمان تشکیل حملات تروریستی بسیاری را در عراق برعهده گرفت.

دوران رهبری ابوعمر، عملیات‌های تروریستی همانند حمله به بانک مرکزی، وزارت دادگستری، یورش به زندان‌های ابوغریب و الحوت شدت گرفت.

سرانجام در تاریخ دوشنبه ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ میلادی، نظامیان آمریکایی و عراقی طی یک عملیات نظامی در منطقه الثرثار، محلی را هدف قرار دادند که ابوعمر البغدادی و ابوحزمه المهاجر در آن حضور داشتند، پس از درگیری‌های شدید میان دو طرف، در آن محل هر دو رهبر این گروه کشته شدند و تصویر اجساد آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شد، یک هفته بعد، این گروه تروریستی در بیانیه‌ای هلاکت البغدادی و المهاجر را رسماً اعلام کرد و پس از حدود ۱۰ روز، مجلس شورای دولت اسلامی عراق و شام ابوبکر البغدادی را به‌عنوان جانشین ابوعمر البغدادی و الناصرالدین الله سلیمان را به‌عنوان وزیر جنگ خود انتخاب کرد. با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی مجدداً وسعت گرفت و هم‌زمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند.

داعش چگونه تشکیل شد؟

داعش چگونه و در کجا تشکیل شد؟ گفته می‌شود وقتی آمریکا «کمپ بوکا» را تأسیس کرد، دست‌کم در ابتدا، بعضی‌ها و اعضای القاعده را در این کمپ کنار هم نگاه می‌داشتند. در آن زمان، آمریکا تمام ارتش ۵۰۰ هزار نفری بعث را برکنار کرده بود. حتی با عده‌ای از این افراد که تحصیل کرده بودند و در جامعه جایگاه بالایی داشتند کسانی که با آن‌ها گفتگو کرده‌اند شنیده‌اند که «مادران و خواهران‌شان وادار به تن‌فروشی شده‌اند، چون هیچ‌کس کاری به آن‌ها نمی‌دهد».

صدام فرماندهان ارشد خود را از یک فرایند عربی‌سازی و اسلامی‌سازی گذرانده بود و وقتی این افراد به دست آمریکایی‌ها برکنار شدند و همراه با اعضای القاعده در یک زندان نگهداری شدند، از دل همین زندان بود که داعش متولد شد. آمریکایی‌ها حتی نمی‌دانستند چه کسی در این زندان‌ها نگهداری می‌شود.

اغلب داعشی‌های عراقی می‌گویند از زمان سرنگونی صدام، دومین نسلی هستند که تحت اشغال آمریکا بزرگ شده‌اند. می‌گویند وقتی آمریکایی‌ها به عراق آمدند و یک دولت شیعه را روی کار آوردند، اقلیت سنی در عراق، گاه ماه‌ها در خانه حبس و یا حتی کشته می‌شدند. بعدها داعش می‌آید و به آن‌ها می‌گوید: «شیعیان، شرور هستند و آمریکایی‌ها هم افراد شرور را روی کار آورده‌اند، اما ما می‌توانیم به شما کمک کنیم.» الان هم همین اعتقاد را دارند.

یک کارشناس گفته است با ژنرال «داگلاس استون» معاون فرماندهی نیروهای آمریکایی در مراکز بازداشت عراق به این کشور برگشتم. او به من گفت: «ما حتی ابزار شناسایی بیومتریک هم برای زندانیان نداشتیم. چندین نفر با فامیلی «البغدادی» داشتیم، اما نمی‌دانستیم رهبر داعش کدامیک از آن‌هاست: عمر البغدادی، ابوبکر البغدادی یا افراد دیگر.» همین جا بود که هسته مرکزی داعش شکل گرفت.

گروه داعش در نزدیکی مرز عربستان سعودی، در صحرای استان الانبار عراق که مرز وسیعی با عربستان دارد شروع به شکل‌گیری نمود. بدلیل شرایط صحرایی و دور افتاده استان الانبار، این منطقه کم جمعیت، تقریباً خالی از سکنه و بدور از کنترل کامل نظامی است.

این گروه در اوایل سال‌های جنگ عراق تاسیس شد. در سال ۲۰۰۴، متعهد به وفاداری و حمایت از القاعده شده و به عنوان القاعده عراق مشهور شد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ این گروه، به یک سازمان فراگیر برای گروه‌های شورشی عراق تحت عنوان حکومت اسلامی عراق تبدیل شد. تحلیل‌گران گروه داعش را بازوی اصلی القاعده در منطقه می‌دانند، اما به دلیل اختلافات، جنایات و وحشی‌گری‌های علنی آن، القاعده

به‌طور رسمی ادعای داعش را مبنی بر وابستگی به آن در سال‌های بعد رد کرد. گروه داعش از حمایت عربستان و قطر و یک‌سری کشورهای خلیج فارس و غربی که منافع مشترکی دارند برخوردار است. گروه داعش با استفاده از مرز مشترک با عربستان و سوریه و دریافت تسلیحات و کمک‌های نظامی از طریق این مرزها فعالیت‌های خود را در این چند سال در سوریه با تمام قوا پیش برده است. این گروه تروریستی به آسودگی از مرز بی در و پیکر عربستان با صحرای الانبار، هر چه را می‌خواستند به عراق و سپس از مرزهای مشابه با سوریه، به مناطق درگیری می‌رساندند. پس از فعال شدن دستگاه امنیتی عراق و مسدود شدن راه عبور تسلیحات داعش از طریق مرزهای عراق به سوریه گروه داعش در تقابل با ارتش عراق فعالیت‌هایش در عراق نیز شدت گرفت و در طول یک سال جنگ و درگیری، یک‌سری شهرهای عراق را تصرف کرد و بخش‌هایی از استان‌های مرزی عراق را به تصرف خویش درآورد.

گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش، یک گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است و اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف نهایی‌شان انتخاب کرده بودند.

پس از آغاز بحران سوریه و درگیری گروه‌های تروریستی و مسلح مختلف با ارتش سوریه، گروه‌های تروریستی نیز در بین خود دچار اختلافات متعددی شدند و به چند گروه با عناوین گروه ارتش آزاد و ... تقسیم شدند که علاوه بر جنگ با ارتش سوریه با همدیگر نیز به جنگ و نبرد می‌پردازند. در اواخر سال ۲۰۱۱، گروه موسوم به جبهه النصره به رهبری ابومحمد الجولانی اعلام موجودیت کرد و طولی نکشید که توانمندی این گروه تروریستی با توجه به حمایت‌های گسترده برخی کشورهای منطقه‌ای به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت تا در طی چند ماه به یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین گروه‌های مسلح در سوریه تبدیل شود.

در روز نهم آوریل ۲۰۱۳ میلادی، یک پیام صوتی از طریق شبکه شیوخ الاسلام منتسب به ابوبکر البغدادی پخش شد که در آن اعلام می‌کند که جبهه النصره امتداد دولت اسلامی عراق است و در این نوار، تشکیل «گروه دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) را با ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی عراق اعلام کرد.

با آغاز اختلافات و درگیری‌ها بین عناصر دو جبهه النصره و داعش در سوریه، طولی نکشید که یک نوار صوتی منتسب به ابومحمد الجولانی پخش شد که در این نوار از رابطه خود با دولت اسلامی عراق سخن می‌گوید، اما وی ایده ادغام با این گروه را نپذیرفته و بیعت خود را با شبکه القاعده اعلام می‌کند.

سرانجام «ایمن الظواهری» رهبر القاعده تصمیم «ابوبکر البغدادی» رهبر گروه دولت اسلامی در عراق برای ادغام گروه خود با جبهه النصره را لغو می‌کند.

الظواهری تاکید کرد که فعالیت‌های «دولت اسلامی در عراق» فقط به عراق منحصر شود.

ولی این موضوع برای رهبر داعش خوشایند نبود، به صورتی‌که البغدادی، در نوار صوتی اعلام کرد که با درخواست ایمن الظواهری، برای لغو گروه داعش و جدایی از جبهه النصره، مخالف است. او گفت: «گروه دولت اسلامی عراق و شام تا زمانی که نبض ما می‌زند و خون در رگ‌هایمان جاریست باقی خواهد ماند و حاضر به عقب نشینی و چانه زدن نیست.»

با وجود این اختلافات، این دو گروه چندین عملیات تروریستی مشترک را در مناطقی که در عراق و سوریه حضور دارند، انجام دادند. داعش با بهره‌برداری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی قابل توجه به سرعت خود را به مناطقی که گروه‌های مسلح مخالف سوریه در نبرد با ارتش این کشور تصرف کرده بودند تحمیل کرد و به نوعی مناطق گسترده‌ای از امتداد رود فرات و بخش گسترده‌ای از شمال سوریه را به محل تاخت و تاز خود تبدیل نمود آمریکا این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داده است.

در عراق شش استان سنی‌نشین یا آن‌چه به مثالت سنی معروف است، مراکز حضور تروریست‌های داعش بود. در سوریه در مناطقی از استان‌های الرقه، حلب، حومه لاذقیه، ریف دمشق، دیرالزور، حمص، حماه، الحسکه و ادلب پراکنده هستند و در برخی از این مناطق نیز کنترل کامل را به دست گرفتند. میزان نفوذ آن‌ها از استانی به استان دیگر متفاوت است تصمیم این گروه تروریستی برای تحت کنترل در آوردن دیگر گروه‌های مسلح در سوریه به درگیری‌های خونباری میان این گروه‌های تروریستی منجر شد. فضای مجازی پر است از فیلم‌ها و تصاویر اقدامات وحشیانه این گروه: از بریدن سر تا فوتیال بازی کردن با این سرها. داعش پس از تسلط بر شهر الرقه قوانینی را وضع کرد که عدول از آن‌ها مستوجب مجازات سنگین بود. فهرست این قوانین به شرح زیر بودند:

- ۱- ممنوعیت پوشیدن شلوار چین برای زنان
- ۲- ممنوعیت پوشیدن شلوار چین توسط مردان کمر باریک
- ۳- ممنوعیت کوتاه کردن مو
- ۴- ممنوعیت نشستن زنان بر صندلی
- ۵- ممنوعیت ورود مردان به مغازه‌های خیاطی زنانه

- ۶- ممنوعیت تبلیغ آرایشگاه‌های زنانه
- ۷- ممنوعیت استفاده از کلمه داعش
- ۸- ممنوعیت مراجعه زنان به دکتر زنان و زایمان
- ۹- ممنوعیت شانه کردن موی سر و صورت برای مردان
- ۱۰- ممنوعیت کشیدن سیگار و قلیان

با توجه به گستردگی کمک‌های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی که با آغاز جنگ در سوریه به این کشور سرازیر شده بود؛ تلاش گروه‌های مسلح به‌ویژه داعش برای دستیابی هرچه بیشتر به این کمک‌ها و سلطه بر گروه‌های دیگر شدت گرفت که این امر موجب آغاز جنگ و درگیری گروه‌های مسلح با یکدیگر شد. اما با وجود اعلام برانته حامیان گروه‌های مسلح از داعش و جبهه النصره، کمک‌های حامیان خارجی همچنان به دست این دو گروه می‌رسید. این کمک‌ها در قالب حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، لجستیکی، اطلاعاتی، آموزشی و غیره از سوی حامیانی مانند عربستان و قطر و ترکیه به همراه چند کشور غربی، موجب ادامه جنگ و ویرانی در سوریه گردید.

بر اساس گزارش «مرکز ملی مطالعات تروریست و مبارزه با فعالیت‌های تروریستی» داعش سومین گروه تروریستی و جنایتکار جهان است. گروه داعش یک ساختار سازمانی دارد که متشکل از امرای مناطق و مجالس «شورای مجاهدین» و فرماندهان عملیاتی است اما این امور سازمانی و تشکیلاتی به‌طور کاملاً محرمانه است.

سرمایه‌های داعش

یکی از بانکداران موصل گفته است: وقتی داعش وارد موصل شد، اعضایش روز شنبه به بانک‌ها رفتند، چون پول‌ها را شنبه‌ها به بانک‌ها می‌برند. مأمورین بانک همه وحشت‌زده بودند و فکر می‌کردند قرار است تیراندازی شود و همه کشته شوند اما یک جوان الجزایری که عضو داعش بود، جلو آمد و گفت رایانه‌تان را به من نشان بدهید. در عرض یک دقیقه، همه اطلاعات بانک را داندلود کرد. همان روز بود که داعش حدود ۴۰۰ میلیون دلار را از بانک‌های موصل به سرقت برد. وقتی از این جوان پرسیده بودند چرا به داعش پیوسته، گفته بود چون از این طریق می‌تواند توانمندی‌های مهندسی‌اش را در راه درستی به کار بگیرد.

براساس آمار بودجه سال ۲۰۱۵ داعش، مبلغی معادل دو میلیارد دلار همراه با مازاد بودجه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار بوده است. داعش دیگر فقط یک سازمان تروریستی ایدئولوژیک محسوب نمی‌شود، بلکه کنشگر غیردولتی بین‌المللی است که با سرشت دوگانه تروریستی-تبه‌کاری، برای گسترش مرزهای سرزمینی و نیز ایدئولوژی خشونت و ترور خود، از هیچ‌گونه تجارت غیرقانونی و جرم سازمان‌یافته درآمدزا، روگردان نبود. در راستای تامین این هدف، داعش روزانه حداقل به بودجه‌ای بالغ بر دو میلیون دلار برای مواردی مانند خرید تجهیزات نظامی و لجستیکی، پرداخت دستمزد جنگجویان و اعضا و نیز سایر هزینه‌های جاری و عملیاتی نیاز دارد.

این بودجه از منابعی از قبیل فروش غیرقانونی نفت خام، قاچاق عتیقه و آثار باستانی، باج‌گیری و خون‌بها، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اعضای بدن و نیز سایر انواع تجارت غیرقانونی درآمدزا، تامین می‌شود.

براساس تایید معاونت سابق تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خزانه‌داری آمریکا- دیوید کوهن - بودجه سال ۲۰۱۵ داعش، مبلغی معادل دو میلیارد دلار همراه با مازاد بودجه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار بوده است. این ارقام داعش را به ثروتمندترین سازمان تروریستی تاریخ بدل کرده است. لویس شلی، رییس اندیشکده TraCCC در دانشگاه جورج میسون معتقد است درآمدهای داعش از منابعی همچون انواع تجارت قاچاق، باج‌گیری و جرائم سازمان‌یافته تامین می‌شود.

درآمد ناشی از باج‌گیری، بیش‌تر از طریق ربودن شهروندان خارجی همچون کارمندان سازمان‌های بین‌المللی و خبرنگاران غربی، انجام می‌گیرد که گفته می‌شود میلیون‌ها دلار از همین طریق نصیب گروه داعش می‌شود.

یکی دیگر از منابع درآمدی داعش، قاچاق اعضای بدن است. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، اعلام کرده است که این گروه اعضا و اندام‌های داخلی بدن افراد مجروحی را که دستگیر کرده است، می‌فروشد. بنابر گزارش محمد الحکیم نماینده عراق در سازمان ملل متحد، در پی یافتن گورهای دسته‌جمعی در موصل عراق، بر بدن افراد کشته‌شده جای جراحی وجود داشته و اکثراً کلیه‌های آن‌ها خارج شده بود. براساس نظر رئیس پزشکی قانونی دانشگاه دمشق نیز در چند سال اخیر بیش از ۱۸ هزار اندام بدن انسان در شمال سوریه قاچاق شده است. تونی آتاسیو نویسنده در زمینه جرائم سازمان‌یافته و استاد دانشگاه معتقد است هریک از اعضای بدن به مبلغی بالغ بر ۲۵۰ هزار دلار به قاچاقچیان در اروپا فروخته می‌شود.

قاچاق مواد مخدر یکی از سه تجارت پرسود دنیا و نیز یکی از پرمنفعت‌ترین منابع بودجه‌ای داعش محسوب می‌شود. بنا بر اظهارات ویکتور ایوانف، رییس سازمان فدرال مبارزه با قاچاق مواد مخدر روسیه، درآمد سالانه داعش از قاچاق مواد مخدر از افغانستان به اروپا بالغ بر یک میلیارد دلار است. تقریباً بیش از نیمی از هروئین اروپا از مسیر عراق و سوریه و مناطق تحت کنترل داعش و نیز دولت‌های شکننده شمال آفریقا، به اروپا قاچاق می‌شود. همچنین، بنا بر گزارش این سازمان، پول حاصل از تجارت مواد مخدر داعش از طریق شهر نینوا در نزدیکی مرز ترکیه، به مرکز جدید دیگری در ترکیه منتقل می‌شود.

علاوه بر قاچاق مواد مخدر، داعش اقدام به کاشت حبشیش و تریاک در مزارع و اراضی وسیعی در مناطق حمام العلیل و محلیه در جنوب موصل نیز کرده بود. همچنین تولید مخدر صنعتی کپتگون در سوریه در بخش‌هایی از حلب که صنایع و کارخانجات در آن قرار دارند با تغییر کاربری به مرکز تولید کپتگون تبدیل شده است؛ این مناطق از دیگر مناطق تولید مواد مخدر در سرزمین‌های تحت کنترل داعش به شمار می‌آید.

به‌دلیل ماهیت مجرمانه فعالیت گروه‌های قاچاقچی مواد مخدر، دسترسی به اطلاعات دولتی و سازمان‌های اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری حجم دقیق مبادلات و درآمد حاصل از تجارت غیرقانونی مواد مخدر بسیار دشوار است. با این حال براساس گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، میزان تجارت گروه‌های مواد مخدری سالانه مبلغی بالغ بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار معادل شش تا ۹ درصد مجموع تجارت جهانی است.

یکی دیگر از انواع تجارت پرسود دنیا قاچاق انسان است. گروه تروریستی داعش با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای خود با دیگر گروه‌های جرائم سازمان‌یافته دنیا، به خریدوفروش انسان به‌ویژه زنان و دختران ایزدی و مسیحی می‌پردازد. مراکز تجارت انسان بیش‌تر در موصل و رقه واقع شده است. براساس گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر، بیش از ۲۵ هزار زن و دختر به‌عنوان اسیران جنگی داعش، مورد آزار جنسی قرار گرفته و فروخته شده‌اند.

علاوه‌براین، داعش از تجارت مهاجران نیز کسب درآمد می‌کند. به‌این‌صورت که داعش از هریک از این مهاجران مبلغی بیش از هشت‌هزار دلار دریافت می‌کرد و به آنان اجازه عبور و ورود به ترکیه را می‌داد تا از آن‌جا به اروپا سفر کنند. از آن‌جایی که آشوب و ناامنی کم‌اکان در

خاورمیانه بخصوص در سوریه و عراق جریان دارد؛ بنابراین قاچاق مهاجران نیز به نوبه خود یکی دیگر از منابع تامین مالی داعش به حساب می‌آید.

علاوه بر حمایت‌های مالی بعضی از کشورهای عرب، تیم اقتصادی این گروه تروریستی نیز منابع داخلی درآمدی اعم از مالیات، باج‌گیری و جزیه نیز تدارک دیده است. بیش از یک‌سوم تولید گندم و منابع کشاورزی کشور عراق در اختیار گروه تروریستی داعش بود. علاوه بر این، کنترل بیمارستان‌ها، مراکز خرید و رستوران‌ها نیز با این گروه تروریستی بود که ماهانه چندین میلیون دلار عاید این گروه می‌کرد. فروش نفت از دیگر منابع درآمدی پرسود داعش بود. بر اساس تخمین «مرکز نظارت حقوق بشر سوریه»، کلیه منابع تولید نفت سوریه حدود ۶۰ هزار بشکه در روز بود که در دست شورشیان و قبایل قرار دارد. از این مقدار نیز حدود ۶۰ درصد آن تحت اختیار داعش است. اما با توجه به کمبود تجهیزات لازم برای استخراج، از این مقدار فقط ۲۰ درصد قابل استخراج و بهره‌برداری است. خریداران نفت داعش در سوریه، مصرف‌کنندگان محلی (به میزان بسیار کم برای تولید الکتریسیته)، بازار سیاه و درصد زیادی نیز ترکیه بود که با قیمت بسیار نازل در حدود بشکه‌ای ۱۰ تا ۲۰ دلار فروخته می‌شد.

تجارت نفت داعش در عراق، شرایط کاملاً متفاوتی داشت. دولت اسلامی بر ۱۴ حلقه چاه نفت در عراق تسلط داشت و روزانه حدود ۸۰ هزار بشکه نفت از این چاه‌ها با مبلغی دو تا سه برابر کمتر از قیمت بازارهای جهانی از طریق واسطه‌های ترکیه، اقلیم کردستان، اردن و بعدها نیز کیف و بندر اودسا به فروش می‌رساند. درآمد روزانه داعش از فروش نفت عراق، بالغ بر دو میلیون دلار برآورد شده است. با این حال، نفت تنها منبع درآمدی داعش برای تامین تجهیزات، سلاح، دستمزد جنگجویان و سایر هزینه‌های عملیاتی نظامی نیست. براساس گزارش یونسکو، فروش آثار باستانی عراق و سوریه در بازار سیاه، یکی از منابع پرمفعت این گروه تروریستی به حساب می‌آید که از مرزهای سوریه به ترکیه و لبنان و سپس به اروپا قاچاق می‌شد.

داعش به عنوان یک «سازمان دوگانه تروریستی-تبه‌کاری» با ارتباط با گروه‌های جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی از fark در آمریکای لاتین گرفته تا بوکوحرام در آفریقا و نیز KLA در بالکان، به «گروه جرائم سازمان‌یافته بی‌سرزمین» تغییر ماهیت داده است. این گروه‌ها در انواع تجارت غیرقانونی شریک هستند، به‌ازای تامین سلاح و تجهیزات قاچاق برای یکدیگر مسیرهای امن حمل انسان و کالای قاچاق تامین می‌کنند و همچنین انواع تخصص و تجربیات تبه‌کارانه و تروریستی را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.

مجله انگلیسی دیلی بیست در یکی از شماره‌های خود، گفتگویی را با یکی از تروریست‌های آفریقایی‌تبار داعش انجام داده است. او پیش از این در زمینه قاچاق انسان و مواد مخدر فعالیت داشته است. نام او موسی است و از نیجریه فرار کرده است. او قاچاق انسان را رها کرده و به گروه تروریستی داعش می‌پیوندد. او در توصیف مناسبات خود با اعضای گروه تروریستی داعش در صحرای آفریقا و ماهیت ماموریت‌های خود در مالی و مناسباتش با قاچاق انسان و تجارت جنسی زنان توضیح داده است. وی توضیح می‌دهد که چگونه عناصر داعش به لیبی می‌روند و از آنجا به اروپا یا کشورهای مجاور در شمال آفریقا سفر می‌کنند.

موسی اعتراف می‌کند که مواد مخدر در تمام مناطق که عناصر داعش و القاعده حضور دارند، وجود دارد. این مواد مخدر از طریق مافیاهای موجود در آمریکای لاتین برای آن‌ها تامین می‌شود.

موسی می‌افزاید که تعدادی از قاچاقچیان ارشد مواد مخدر در آفریقا با گروه‌های مسلح تروریستی و تاجران زنان و نمایندگان گروه تروریستی داعش همکاری می‌کنند. آن‌ها در بسیاری از موارد مذاکراتی را با قاچاقچیان دیگر از آمریکای جنوبی انجام می‌دهند تا بتوانند راهکارهای جدیدی برای انتقال عناصر تروریستی یا انتقال کواکین به اروپا کشف کنند.



جنگجویان خارجی داعشی پس از سقوط این گروه در سوریه و عراق، به کدام کشورها پناه برده‌اند؟

کارشناسان همواره به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که جنگجویان خارجی داعشی پس از سقوط این گروه، به کدام کشورها پناه برده‌اند؟ بررسی برآوردها و اطلاعات موجود نشان می‌دهد که به ترتیب کشورهای تونس، عربستان، روسیه، فرانسه، و اردن پذیرای بیش‌ترین تعداد داعشی‌های فراری پس از سقوط این گروه در سوریه و عراق بوده‌اند.

تونس: ۸۰۰ داعشی

عربستان: ۷۶۰ داعشی

روسیه: ۴۰۰ داعشی

فرانسه: ۲۷۱ داعشی

اردن: ۲۵۰ داعشی

این اطلاعات در گزارش «اندیشکده مطالعات امنیتی سوفان» در نیویورک ارائه شده است.

طبق گزارش این اندیشکده، در مجموع ۴۰ هزار عنصر خارجی تحت فرمان داعش بوده‌اند، و از این رقم، پس از سقوط داعش، حدود ۵۶۰۰ تروریست باقی‌مانده به ۳۳ کشور دیگر فرار کرده و یا بازگشته‌اند.

در بخش دیگری از گزارش این اندیشکده به تعداد کودکان نابالغی که از کشورهای غرب اروپا به مناطق تحت کنترل داعش آورده شده بودند اشاره شده است. بر این اساس، بیش‌ترین تعداد با شمار ۶۰ کودک از فرانسه بود. پس از آن نیز بلژیک ۱۱۸ کودک، هلند ۹۰ کودک، آلمان ۵۶ کودک، انگلیس ۵۰ کودک، سوند ۴۰ کودک و اتریش ۴۰ کودک قرار دارند.

فرار داعشی‌ها به ترکیه

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز، مهر ماه ۱۳۸۶، دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد: براساس اطلاعات موثقی که به‌دست آمده، تعدادی از فرماندهان داعش با تابعیت‌های سوری و خارجی طی روزها و هفته‌های گذشته از رقه و دیرالزور به مناطق تحت سیطره مخالفان در حومه شمالی و شمال شرقی حلب فرار کرده و از آنجا به ترکیه رفته‌اند. دیده بان حقوق بشر، تاکید کرد: روند انتقال فرماندهان و تعدادی از اعضای داعش از استان‌های حمص، دیرالزور و رقه از طریق پرداخت رشوه بین ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار انجام شده و طرف‌های مسئول توانسته‌اند آن‌ها را منتقل کرده و به مرزهای سوریه و ترکیه برسانند و از آنجا از طریق قاچاقچیان به ترکیه منتقل شوند. به‌گفته دیده بان حقوق بشر سوریه، طی ماه‌های گذشته صدها داعشی از جمله فرماندهان محلی این گروه به استان حسکه فرار کرده و ناپدید شدند و بعدا برخی از آن‌ها در ترکیه مشاهده شدند. دیده بان حقوق بشر سوریه، اعلام کرد: اعضا و فرماندهانی از داعش از حومه شرقی حمص به مناطق تحت سیطره گروه‌های مخالف در حومه شمال شرقی حلب فرار کرده و به ترکیه منتقل شدند. فرار داعشی‌ها بعد از پیشروی گسترده ارتش سوریه در مناطق مختلف و آزادسازی مناطقی در بادیه سوریه و آزادی شهر رقه به دست نیروهای سوریه دموکراتیک صورت می‌گیرد.

فرار داعشی‌ها به پاکستان و افغانستان

در گزارشات مختلف آمده است که احتمال است که داعش پس از حلب و موصل، به افغانستان و پاکستان روی آورد و این دو کشور به پایگاه جدیدی برای خلافت تبدیل شوند. داعش از ژوئن ۲۰۱۴ به این سو مبارزان زیادی از افغانستان و پاکستان به خود جذب کرده است. به تدریج، این گروه‌های پراکنده به «تنی واحد» تبدیل شدند و گروه خراسان را در سال ۲۰۱۵ تشکیل دادند. لشکر جهنگوی - که به تازگی مرگبارترین حمله را به آکادمی پلیس پاکستان در کوئته انجام داد- پس از آن از هم گسست که مقام‌های پاکستانی رهبر اصلی این گروه را از میان برداشتند. شاخه کراچی این گروه اکنون با «القاعده در شبه‌قاره» (AQIS) همکاری دارد در حالی که شاخه بلوچستان جهنگوی با «داعش در افغانستان- پاکستان» (ISK) همکاری دارد. همچنین «جماعت الاحرار» - شاخه بریده از طالبان پاکستان که مسئولیت حملاتی در پاکستان را بر عهده گرفته که بیش از ۱۵۰ کشته بر جای گذاشت - نیز با ISK همکاری دارد.



از آوریل ۲۰۱۵ به بعد ISK حملات زیادی در افغانستان و پاکستان انجام داده و بیش از ۲۰۰ کشته بر جای گذاشته است. کارشناسان معتقدند این حمله به لحاظ مقیاس و شدت یک «تهدید رو به افزایش» است. در حمله ISK به اردوگاه آموزشی پلیس در کوئته، ۶۱ کشته و ۱۱۷ زخمی بر جای گذاشت. نیروهای داعشی از پنجره‌ها وارد شده و بمب با خود حمل می‌کردند. حملات دیگری هم از مناطق قبیایلی پاکستان تا مناطق اصلی این کشور رخ داده است. ISK همچنین هسته‌هایی در هند تشکیل داده است. نیروهای خلافت خودخوانده در سریلانکا و مالدیو نیز حضور یافته‌اند. آسیای جنوبی با جمعیت کثیری از مسلمانان جهان، میدانی مناسب برای فعالیت‌های جدید داعش است.

به عقیده برخی کارشناسان، حتی اگر نقش مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا و هم پیمانانش در ظهور داعش در افغانستان را نادیده بگیریم و انکار کنیم، نمی‌توانیم نسبت به این حقیقت چشم‌پوشی کنیم که ناتو و آمریکا در ۱۵ سال گذشته نتوانستند پروژه مبارزه با تروریسم در افغانستان را به گونه‌ای عملیاتی کنند که تروریسم از افغانستان به‌صورت کامل و همیشگی ریشه‌کن شود و دیگر هیچ بهانه و زمینه‌ای برای ظهور گروه‌های تروریستی در این کشور باقی نماند. به عبارت دیگر، داعش در افغانستان به‌نوعی معطل شکست پروژه مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا بود. تفاوتی نمی‌کند که این شکست، برنامه‌ریزی شده و آگاهانه بود یا ناشی از عوامل خارجی و داخلی متعدد در درون ائتلاف به رهبری آمریکا.

داعش افغانستان را انتخاب کرد در حالی که افغانستان ۱۵ سال میزبانی هزاران نیروی نظامی خارجی به رهبری آمریکا، بوده است. داعش افغانستان را انتخاب کرد چون همچنان ناامن، ضعیف، بی‌ثبات، درگیر جنگ و آسیب‌پذیر باقی مانده و آمریکا و هم پیمانانش نخواستند یا نتوانستند با ناامنی‌ها مبارزه کنند.

تکنیک‌های مختلف داعش برای جذب نیرو

رهبران و فرماندهان داعش بسیار کارگشته هستند و از تکنیک‌های روز برای جذب نیرو استفاده می‌کنند.

جوانان غربی، داعشی‌ها را ابرقهرمان‌هایی می‌بینند که از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌روند و همه جا را فتح می‌کنند بنابراین، برای فرار از فشاری که در جوامع خود متحمل می‌شوند، به این گروه پناه می‌آورند.

عنصر جذاب «جهاد» را نباید در این میان نادیده گرفت. تصاویری که جوانان غربی می‌بینند این است که یک عده انسان با ظاهری جدید، با ریش‌های بلند و موهای مشکی، پشت وانت‌هایشان و در حالی که پشت تیربارهای پیش‌رفته ایستاده‌اند، توجه همه دنیا را به خود جلب می‌کنند. از آن طرف، زنان زیادی با آن‌ها همراه می‌شوند. این‌ها همه به خصوص برای نسل جوان جذابیت دارد. البته مردم سوریه و عراق، واقعیت را چیز دیگری می‌بینند و برخی از آن‌ها هم با دلایل متفاوتی نسبت به جوانان اروپایی به داعش می‌پیوندند.

داعش به کارگیری تکنیک‌های مختلف و با استفاده از آن‌ها، جوانان غربی را مجذوب خود می‌کند. تکنیک‌هایی که بر اساس ویژگی‌های این گروه خاص طراحی شده‌اند. مردم به دلایل مختلفی ممکن است از زندگی خودشان ناراضی باشند. برخی ممکن است دلایل سیاسی داشته باشند، اما دلایل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از دلایل سیاسی هم برای مردم مهم‌تر باشد. داعش به دنبال همین کمبودها می‌گردد. گاهی حتی ده‌ها روز برای جذب یک نفر وقت می‌گذارند و بعد نتیجه را به افراد دیگر تعمیم می‌دهند.

داعشی‌ها شبکه‌ای از کمبودها و مشکلات مردم را شناسایی کرده‌اند و این شبکه را از طریق ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی و حتی تبلیغات رسانه‌ای و محلی، برای به تله‌انداختن جوانان به کار می‌گیرند. از طرف دیگر، تبلیغات ضد داعش، ناکافی است. اکتفا به این‌که بگوییم «راه داعش، اشتباه است؛ این اسلام، اسلام واقعی نیست» کاری از پیش نمی‌برد، به خصوص برای جوانان.

در گزارشی آمده است که یک زن جوان سوری که عضو داعش شده بود، به یک زن جوان آمریکایی ایمیل می‌زند و برای او توضیح می‌دهد که می‌داند ترک پدر و مادر و خانواده، چه قدر سخت است، اما کارهای مهم‌تری هم در دنیا هست که باید انجام داد. از این طریق برای این زن آمریکایی تله می‌گذارند و حتی به او می‌گویند چگونه دیگران را هم متقاعد کند تا برای «جهاد» به سوریه بروند. صدها ساعت با این زن آمریکایی چت می‌کنند؛ فقط برای این‌که بتوانند یک نفر را جذب خودشان بکنند. بنابراین یکی از دلایلی که تبلیغات داعش موثر بوده، پرداختن آن‌ها به هر نفر به‌طور جداگانه است. این رویکرد، سه‌بعدی است به این معنا که هم تمام جهان را دربرمی‌گیرد و هم در سطحی بسیار شخصی و نزدیک، احساسات انسان‌ها را تحریک می‌کند.

در هر صورت داعشی‌ها، تحت پرچم اسلام مبارزه می‌کنند و خود را مجاهد اسلامی هم می‌دانند. هر چند که شاید بسیاری از آن‌ها، اطلاعات اندکی درباره اسلام واقعی و سنتی داشته باشند. حتی کسانی که برخی افراد بی‌دین بوده‌اند و تا پیش از پیوستن به داعش، به دستورات هیچ مذهبی عمل نمی‌کرده‌اند؛ و یا از دین‌های دیگر به اسلام داعشی گرویده‌اند. بنابراین هر چه کم و زیاد از اسلام بدانند صرفاً در راه اسلام می‌جنگند.

عناصر گروه تروریستی داعش همیشه با داشتن ظاهر خاص و به تن کردن لباس‌های منحصر به فرد ضمن به راه انداختن موج رسانه‌ای وسیع سعی در به راه‌انداختن یک فرهنگ پوششی منحصر به فرد در مناطق تحت کنترل خود دارند.

مطالعه رفتارهای داعش برای کسی که از سال‌ها پیش عملکرد آن‌ها را رصد می‌کرده، جالب است. همیشه این‌که چرا داعش باید با صندل و دمپایی به جنگ برود، هم جالب بوده است و این‌که لباس رسمی داعش چگونه است و شلوارها باید چند انگشت بالای قوزک پا باشد و ریش بلند و موی آن‌چنانی از کجا وارد فرهنگ رفتاری داعش شده و تا چه اندازه سرکرده‌های آن‌ها به این مسئله حساس بوده و آن را پیگیری می‌کنند.

یک نکته جالب و در عین حال عجیب بوده است و آن هم نحوه ساعت بستن داعشی‌ها است. داعشی‌ها عموماً ساعت را روی دست راست خود بسته و همه تلاش‌شان هم این است که در عکس‌هایی که می‌گیرند، ساعتی که پوشیده‌اند، مشخص باشد. حالا مهم نیست که مارک ساعت چه باشد، اما مهم این است که ساعت در عکس دیده شود و اغلب اوقات نیز روی دست راست عناصر بسته می‌شود. این یعنی نوعی هماهنگی و دستورالعمل در این زمینه وجود داشته و دارد.



در روزی که ابوبکر البغدادی در مسجد نوری موصل منبر رفت و خطبه خواند، ساعت ۳۵۰۰ یورویی‌اش بیش از سخنانش مورد توجه قرار گرفت. برند ساعت وی هر چه که باشد، قیمتی بودن آن همه نگاه‌ها را به سمت خود برد. البته مهم‌تر از همه آن بود که البغدادی ساعتش را هم روی دست راست بسته بود. در یک ویدئوی دیگر در موصل که یک تیم از واحد جند الخلافة در محله الانتصار به مقابله با نیروهای دولتی رفته بودند، همه ساعت‌های یک مدل را دست کرده بودند و طبق معمول، همه نیز ساعت‌هایشان روی دست راست‌شان بود که این مسئله نشان می‌دهد سیاستی پشت این ماجرا قرار دارد.

این سیاست هر چه که باشد نشان از کار دقیق و شدید تبلیغی روی عناصر و آموزش ویژه واحدهای تصویری این گروه که حواس‌شان به همه چیز باشد. این حواس جمعی برای فرد بیرونی قابل توجه است و این پیام را می‌رساند که در سایر موارد هم این گروه خطرناک طبق یک برنامه از پیش تعیین شده عمل کرده است.

سلاح‌های داعش

نواحی وسیعی به وسعت حدود ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع در کشورهای سوریه و عراق از تسلط این گروه آزاد شده‌اند.

در مناطق آزاد شده از تسلط داعش، به ویژه اهالی غیرنظامی بهای سنگینی را پرداخته‌اند. ده‌ها هزار تن در ادامه سه سال تسلط داعش جان خود را از دست دادند. مرکز شهر رقه در سوریه و نیز شهرهای موصل، رمادی و تکریت در عراق به کلی به ویرانه مبدل شده‌اند. براساس یافته‌های «سازمان بین‌المللی تحقیقات تسلیحات منازعه»، بخش قابل ملاحظه این سلاح‌ها از کشورهای عضو ناتو در اروپا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده و از راه‌های غیرمستقیم از طریق ایالات متحده و عربستان سعودی به این گروه رسانده شده‌اند. در میان ماه جولای سال ۲۰۱۴ تا نوامبر ۲۰۱۷، حین تحولات در جبهه‌های جنگی در عراق و سوریه، کارشناسان سازمان بین‌المللی تحقیقات تسلیحات منازعه (CAR) نیز در محل‌های مذکور حضور داشتند. آنان تسلیحات و مهماتی را که در این جنگ به دست نیروهای ائتلاف آمده بودند، مورد بررسی قرار داده‌اند.

کارشناسان این سازمان در فاصله میان کوبانی در مرز میان ترکیه و سوریه تا بغداد پایتخت عراق حدود ۲۰۰۰ میل سلاح و بیش‌تر از ۴۰ هزار قطعه مهمات جنگی را به‌دست آورده و سپس براساس اطلاعات تولیدی این تسلیحات به شمول نمره مسلسل بررسی‌های خود را برای تثبیت مسیر ارسال آنان آغاز کرده‌اند. این پژوهش‌ها توسط اتحادیه اروپا و وزارت امور خارجه آلمان مامور گردیده‌اند. دامیان اشپلیترز، رییس سازمان تحقیقات تسلیحات منازعه در عراق و سوریه و یکی از نویسندگان اصلی این گزارش در گفتگویی با دویچه وله گفت: «آنچه خیلی تعجب‌آور بود، این بود که با چه سرعتی شماری از تسلیحات پس از صادرات به ذخیره گاه‌های نظامی داعش می‌رسیده‌اند.»

این کارشناس به‌طور مثال، از نوعی از موشک‌های ضد تانک ساخت بلغاری نام می‌برد که در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵ به آمریکا به فروش رسانده شده بود. درست همین سلاح‌ها حدود دو ماه بعد از صادرات آن و حین بازپس‌گیری رمادیه توسط نیروهای نظامی عراق، توسط سربازان این کشور از ذخیره گاه‌های نظامی داعش ضبط و توقیف گردید.

این که آیا داعش این تسلیحات را در میدان‌های جنگ غنیمت گرفته است، یا از سربازان و نیروهای تسلیمی و یا هم از رقبای جنگی خود خریداری کرده است، هنوز روشن نیست. مسیر تسلیحات ضد تانک را می‌توان به‌صورت محدود دنبال کرد. به هر ترتیب بلغاری در جواب به این سازمان تحقیقاتی صادرات این تسلیحات به ایالات متحده آمریکا را تصدیق نموده و گفته است که راکت‌های ضد تانک بلغاری به شرکت آمریکایی «کیسلر پولیس سیلای» ارسال شده‌اند.

در تقاضانامه بر سر اجازه صادرات به‌طور قانونی ورقه‌های امضاء شده توسط نظامیان آمریکایی ضمیمه گردیده بود. در فورمه لاینس صادرات این سلاح‌ها مطابق اصول اعلامیه موسوم به (End-user certificate) نیز از سوی نظامیان آمریکایی همراه شده است. در این اعلامیه، دریافت‌کننده سلاح تعهد می‌کند که آن را به جانب سومی در مناطق جنگی انتقال نمی‌دهد. اما ظاهراً آمریکایی‌ها این قرارداد را رعایت نکرده‌اند و این تسلیحات بلافاصله به شرق نزدیک رسیده‌اند.

اشپلیترز، رییس این سازمان این مسئله را مدرکی برای این ادعا می‌بیند که «وارد کنندگان مهم اسلحه مانند عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا که مهم‌ترین مشتریان صنعت اسلحه‌سازی اروپا هستند، اساسات اروپایی صادرات اسلحه به شمول اعلامیه (End-user certificate) را رعایت نمی‌کنند.»

اما به باور پاتریک ویلکن، متخصص کنترل تسلیحات از سازمان عفو بین‌الملل، موارد متذکره احتمالاً بخشی از واقعیت را تشکیل می‌دهد. به‌گفته او، در مسیر انتقال و توزیع این سلاح‌ها همه طرف‌های دخیل می‌فهمیده‌اند که این سلاح‌ها هرچند در اوراق قرارداد آن‌طور دیگری نوشته شده‌اند، برای مناطق جنگی در عراق و سوریه در نظر گرفته شده‌اند.

ویلکن در گفتگویی با دویچه‌وله افزود: «خیلی عجیب و غریب خواهد بود، اگر کشورهای دخیل هدف این تسلیحات را نمی‌دانسته‌اند.» ویلکن در گفتگو با دویچه‌وله تأکید کرد که در بحران سوریه می‌توانست جریان انتقال اسلحه به موقع قابل تشخیص باشد، «اما زمینه کنترل وجود نداشت که این تسلیحات پس از آن‌که به منطقه می‌رسند، سرانجام سر از کجا در می‌آورند.» سلاح‌های بلغاری در دست تروریست‌ها در سوریه!

دامیان اشپلیتر کارشناس سازمان بین‌المللی تحقیقات تسلیحات منازعه نیز به این نتیجه می‌رسد که «در صورتی که یک جناح سومی تسلیحات را به یکی از گروه‌های جنگی در سوریه و یا عراق توزیع کرده باشد، با این اقدام ماشین جنگی داعش را تجهیز کرده است.»

جو بایدن معاون رییس جمهور پیشین آمریکا نیز حین ارائه توضیحات به دانشجویان هاوارد در مورد نقش متحدین ایالات متحده به شمول ترکیه، عربستان سعودی و امارات متحد عربی در جنگ سوریه اظهارات مشابهی داشت.

بایدن در پایان سخنرانی خود در دوم اکتبر ۲۰۱۴ در پاسخ به سؤال‌های حاضرین تأکید کرد که بزرگ‌ترین معضل ایالات متحده در منطقه را متحدین این کشور می‌سازند. او گفت: «ترکیه، عربستان سعودی و امارات چه کرده‌اند؟ آنان با به جریان انداختن جنگ نیابتی شیعه و سنی خواستند اسد را سقوط بدهند.» او افزود که این متحدین صدها میلیون دلار و هزاران تن اسلحه را به هرکسی که حاضر به جنگ با اسد بود، توزیع نمودند. بایدن چنین نتیجه‌گیری کرده است که از این مسئله گروه‌هایی به شمول جبهه النصره، القاعده و دیگر جنگجویان از سایر مناطق جهان سود برده‌اند.

در این میان، روشن است که داعش قوی‌تر از آن بود که تصور می‌رفت. جنگ در برابر این گروه نیز بیش‌تر دوام نمود و رقم قربانیان این جنگ نیز به‌شدت بلند بود. زیرا قدرت‌های بیرونی به‌طور گسترده‌ای به منطقه سلاح فرستادند، تسلیحاتی که سرانجام به‌دست داعش رسید. و هم به این خاطر که «اعلامیه استفاده نهایی» یا (End-user certificate) اروپایی‌ها تنها به روی کاغذ باقی مانده و در عمل رعایت نشده است.

هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا، در کتاب جدید خاطرات خود تأکید کرد قرار بود دولت اسلامی بر اساس توافق آمریکا و اخوان‌المسلمین در مصر تشکیل شود.

کلینتون نوشت: ما در جنگ عراق، سوریه و لیبی شرکت کردیم و همه چیز خوب بود اما به یکباره انقلاب سی‌ام ژوئن در مصر علیه دولت اخوان‌المسلمین روی داد و همه چیز در مدت ۷۲ ساعت تغییر کرد. ما با اخوان‌المسلمین در مصر توافق کرده بودیم دولت اسلامی در سینا تشکیل شود. قرار بود بخشی از سینا به حماس و بخش دیگر آن به اسرائیل واگذار شود و حلایب و شلاتین به سودان ملحق شود و دولت مصر مرزها با لیبی را در منطقه السلوم باز کند.

او افزود: قرار بود ما در روز پنجم ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳، در نشستی با دوستان اروپایی خود دولت اسلامی را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله پس از تشکیل آن، توضیح دهم. اما به یکباره همه چیز در برابر چشمان ما فرو ریخت.

وزیر سابق امور خارجه آمریکا، در ادامه بیان طرح‌های واشنگتن برای منطقه خاورمیانه نوشت: ما از طریق اخوان‌المسلمین در مصر و دولت اسلامی که قرار بود تشکیل شود منطقه را تقسیم می‌کردیم و پس از آن توسط عوامل خود از اخوان‌المسلمین به سراغ کشورهای عربی

حاشیه خلیج فارس می‌رفتیم. ابتدا کار از کویت آغاز می‌شد و به ترتیب به سراغ امارات، بحرین و عمان می‌رفتیم. در پی آن، تقسیمات منطقه عربی و مغرب عربی به‌طور کامل تغییر می‌کرد و ما تسلط کامل بر منافع نفتی و گذرگاه‌های دریایی پیدا می‌کردیم.

اسنودن پیمان‌کار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا نیز تاکید کرده است: سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام «داعش» نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور» گروه داعش را تشکیل دادند. به گزارش شبکه تلویزیونی الاخباریه سوریه، ادوارد اسنودن فاش کرد: گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده است و هدف عملیات «لانه زنبور» تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و...

دولت‌های حامی داعش

به گزارش العالم با استناد به پایگاه «گلوبال ریسرچ» کانادا در تازه‌ترین گزارش افشاگرانه خود، فهرستی را از ۶ کشور به‌عنوان حامیان گروه تروریستی داعش در جهان معرفی کرد. گلوبال ریسرچ در گزارشی تاکید کرد که این فهرست را «تم اندرسون» نویسنده و مولف آمریکایی برای کتابش تهیه کرده و قرار است این کتاب با نام «جنگ پلید در سوریه» به‌زودی منتشر شود. اندرسون در این کتاب به کشورهای و طرف‌های حامی داعش و راه‌های این حمایت پرداخته است. بر اساس این گزارش، عربستان، ترکیه، قطر، اسرائیل، انگلیس، فرانسه و آمریکا از داعش حمایت و پشتیبانی می‌کنند، که به‌طور مختصر نقش هریک از آن‌ها در این حمایت به شرح زیر است:

عربستان

در سال ۲۰۰۶ میلادی، عربستان از آمریکا دستور مستقیم برای تشکیل داعش (در عراق) برای جلوگیری از نزدیک شدن روابط این کشور با ایران دریافت کرد.

در سال ۲۰۱۱ میلادی، عربستان از شورش مسلحانه در شهر درعای سوریه پشتیبانی کرد، و به حمایت مالی و تسلیحاتی از همه عناصر مسلح در سوریه پرداخت، و جبهه‌بندی بین این عناصر را حفظ کرد تا از استقلال آن‌ها بکاهد.

ترکیه

دولت ترکیه گذرگاه امنی را برای عناصر مسلح جهت عزیمت به شمال سوریه فراهم کرد و جبهه النصره را با همکاری عربستان ایجاد کرد. این کشور گروه مسلح موسوم به «جیش الفتح» را در عملیات یورش در شمال سوریه در سال ۲۰۱۵ میلادی فرماندهی کرد و میزبان سران گروه‌های مسلح بود و روند فروش نفتی را که داعش به جنگ آورده بود، سازماندهی کرد و خدمات پزشکی به داعش ارائه داد.

قطر

در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی، قطر میلیاردها دلار به گروه اخوان المسلمین مرتبط با گروه‌های مسلح نظیر گروه «فاروق» ا.ف.اس.ای داد. بعد از سال ۲۰۱۳ میلادی، قطر از ائتلاف جیش الفتح با محور ترکیه - عربستان حمایت کرد.

اسرائیل

همه جنگجویان مسلح در سوریه را با سلاح و ارانه خدمات پزشکی یاری رساند. داعش و جبهه النصره از جمله این گروه‌ها بودند که از حمایت حکومت اسرائیل برخوردار شدند. علاوه بر این‌که مراکز هماهنگی در جولان اشغالی سوریه برای آن‌ها ایجاد کرد.

انگلیس

این کشور به عناصر مسلح در سوریه به منظور همکاری نزدیک با هسته‌های القاعده کمک تسلیحاتی کرد و این کمک‌ها برای گروه‌های مسلح یاد شده به‌طور منظم ادامه یافت.

فرانسه

دولت فرانسه خط مشی انگلیس را در کمک تسلیحاتی منظم به گروه‌های مسلح در سوریه دنبال کرد.

آمریکا

نقش آمریکا در حمایت از داعش فراگیرتر بود؛ به گونه‌ای که هدایت و هماهنگی همه فعالیت‌های کشورهای و طرف‌های حامی داعش را برعهده داشت و از پایگاه‌های نظامی در ترکیه، قطر، اردن، عراق و عربستان برای این منظور استفاده کرد.

گلوبال ریسرچ نوشت: آمریکا داعش را از مناطق کردنشین دور و آن‌ها را رها کرد تا به سوریه حمله کنند. به‌گفته مسنولان عراقی، آمریکا به داعش به‌طور مستقیم از طریق هوایی سلاح می‌رساند.



داعشی‌ها کجا رفتند؟

اکنون یک سوال مهم این است که همه نیروهای داعش، کشته و یا اسیر نشده‌اند، پس آن‌ها کجا رفته‌اند؟ زمانی که تانک‌های ترکیه وارد جرابلس شدند، داعشی‌ها شهر را ترک نکردند فقط ریش‌های خود را تراشیدند. همچنین یکی از اعضای داعش گفته است که ترکیه با این گروه تیانی کرده است. به گفته این فرد، داعشی‌ها هنوز هم در جرابلس هستند، جایی که آنکارا ادعا کرده از تروریست‌ها پاک شده است.

یکی از اعضای داعش به روزنامه ایندپندنت گفته که این گروه تروریستی حتی اگر در سوریه و عراق نیز شکست بخورد همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. فرج، ۳۰ ساله، یکی از اعضای سابق داعش که در شمال شرق سوریه جنگ می‌کرده، در گفت‌وگویی اختصاصی با ایندپندنت، گفته است: «وقتی می‌گوییم داعش ابدی است و همچنان در حال گسترش است شعر نمی‌گوییم یا یک عبارت تبلیغاتی نیست.» فرج با اعلام این‌که داعش قصد دارد قدرت خود را در عربستان سعودی، مصر، لیبی و تونس احیا کند، می‌گوید عاملان داعش در اقصی نقاط دنیا حضور دارند و تعدادشان همچنان در حال افزایش است. فرج همچنین جزئیاتی را از همکاری نزدیک میان داعش - ترکیه فاش می‌کند. او که از طریق «واتس‌آپ» و جایی در خارج از سوریه صحبت می‌کند بدون اعلام نام واقعی خود می‌گوید: «زمانی که برای اولین بار از فرمانده خود شنیدم که داعش در صورت شکست در سوریه و عراق نیز به حیات خود ادامه می‌دهد تصور کردم این سخنان تبلیغاتی و هدفش روحیه دادن به اعضای گروه است یا این‌که آن‌ها با این سخنان تلاش دارند تا شکست‌های داعش را پنهان کنند. اما خیلی زود متوجه شدم که فرماندهان داعش برای ایجاد پایگاه‌هایی در مناطق دیگری از جهان اقدامات کاملاً عملی دارند.»

یکی از فرماندهان داعش در لیبی یک سال پیش به فرج گفته بود که «برای یک عملیات خاص به لیبی می‌رود و دو ماه دیگر باز می‌گردد.» کاملاً روشن است که داعش خود را برای روزهای پس از شکست در سوریه و عراق آماده می‌کرد. فرج می‌گوید که از آنجایی که قدرت‌های جهانی جذابیت داعش و ایدئولوژی این گروه برای کسانی که وضع موجود را غیرقابل تحمل می‌دانند درک نمی‌کنند، قدرت انعطاف‌پذیری آن را دست‌کم می‌گیرند. او می‌گوید: «من فرماندهان و هم‌زمانم و همین‌طور مبارزه کردن در اعتراض به ظلم و بی‌عدالتی که قبلاً تجربه کرده‌ام را دوست دارم.»

فرج اصالتاً اهل روستایی سنی‌نشین در شمال شرق کردنشین سوریه، جایی میان دو شهر «حسکه» و «قامیشلی» است. او که به نسبت دیگر اعضای داعش از تحصیلات بهتری برخوردار است، از دانشگاه حسکه فارغ‌التحصیل شده است. فرج به همراه چند تن از اعضای خانواده خود در ۲۰۱۲ به جبهه النصرة ملحق شده است. جبهه النصرة که به عنوان یکی از شاخه‌های القاعده در سوریه شناخته شده، اخیراً اعلام کرده که نام خود را به جبهه فتح الشام تغییر داده و ارتباط خود را با القاعده قطع کرده است. فرج می‌گوید که به دلیل اختلافاتی که با داعش پیدا کرد - اختلافاتی که تمایلی برای صحبت کردن درباره آن‌ها ندارد - دیگر عضو این گروه نیست اما همچنان یکی از حامیان داعش است چرا که عمیقاً هدف این گروه را باور دارد. فرج می‌گوید که جذابیت داعش برای او، نه در ایدئولوژی افراطی این گروه که در مکانیزم موثر و سازمان‌دهی شده آنان برای نشان دادن اعتراض است. فرج می‌گوید: «داعش بهترین راه‌حل برای اصلاح اقدامات نادرست رژیم‌های استبدادی در منطقه است.»

فرج همچنین در این مصاحبه به جزییات رابطه داعش و آنکارا اشاره می‌کند. زمانی که تانک‌ها و خودروهای زرهی ترکیه وارد سوریه شدند به نظر می‌رسید که داعش دقیقاً می‌داند ارتش ترکیه در حال پیشروی است و با این حال هیچ مقاومتی در برابر این پیشروی نداشت. این در حالی است که داعشی‌ها پیش‌تر در برابر پیشروی کردهای سوریه (نیروهای دموکراتیک سوریه و یگان‌های مدافع خلق) در شهر منبج به شدت مقاومت می‌کردند؛ به طوری که در این درگیری بیش از هزار تن از این گروه تروریستی کشته شدند.

با حمله ارتش ترکیه به سوریه، اعلام شد که جنگ‌جویان داعش از شهر جرابلس به سوی یکی دیگر از پایگاه‌های خود در منطقه الباب عقب‌نشینی کرده‌اند، اما فرج داستان دیگری برای روایت کردن دارد.

او می‌گوید: «زمانی که تانک‌های ترکیه‌ای وارد جرابلس شدند من با دوستانم که در این شهر بودند صحبت کردم. در واقع داعشی‌ها جرابلس را ترک نکرده بودند؛ آن‌ها فقط ریش‌های خود را تراشیده بودند!»

فرج همچنین درباره دفاع از شهر تل ابیض در یک سال گذشته نیز ادعای قانع‌کننده‌ای مبنی بر همدستی داعش و ترکیه دارد. تل ابیض یکی از گذرگاه‌های میان ترکیه و داعش بود که برای تروریست‌ها اهمیت بسیاری داشت. در تابستان ۲۰۱۵، کردهای سوریه با حمایت هوایی ایالات متحده از شرق به سمت غرب در حال پیشروی بودند و این شرایط دفاع از شهر را برای داعش دشوار کرده بود. فرج یکی از ۱۵۰ عضو داعش بود که در برابر حملات کردها مقاومت می‌کرد. او می‌گوید: «در آن دوره ترکیه حمایت‌های زیادی از داعش کرد. وقتی من در ماه می ۲۰۱۵ در تل ابیض بودم، تسلیحات و مهمات زیادی را بدون هیچ مانعی از ماموران مرزی دریافت می‌کردیم.»

کردهای سوریه مدت‌هاست که ترکیه را به حمایت از داعش متهم می‌کنند، اما این نخستین بار است که یکی از اعضای داعش به صراحت این مسئله را تایید می‌کند. این در حالی است که دولت ترکیه بارها این اتهامات را رد کرده است. فرج که به عنوان یک عرب سنی از منتقدان ترکیه و کردهای سوریه است، تاکید می‌کند رجب طیب اردوغان را دوست ندارد اما به اعتقادش او هرچه که هست بهتر از دیکتاتورهای عرب است. فرج می‌گوید که اردوغان با ترغیب کردها به جنگ در ترکیه و کشاندن این جنگ به مرزهای سوریه و همچنین با حمایت داعش و روانه کردن آنان به سوریه مسئول ویرانی سوریه است. (نویسنده: پاتریک کاکبورن)

پروفسور «پیترو نویمان» کارشناس تروریسم در کینگز کالج شهر لندن در باره داعش به خبرنگار بیلد گفته است: «تروریست‌ها قادرند به وحشیانه‌ترین کارها دست بزنند و انگیزه‌های ایدئولوژیک آنان را به این قبیل اقدامات وامی‌دارد.» (تایناک، ۱۸ شهریور ۱۳۹۳) حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ آلمانی، ۴۰۰ انگلیسی، ۶۰۰ فرانسوی، ۵۰۰ بلژیکی و بقیه به‌طور پراکنده از سایر کشورهای اروپایی در داعش فعالیت دارند.

شاید باورش سخت باشد ولی ۱۰۰ چینی، ۲۰۰ استرالیایی و حدود ۵۰ اندونزیایی نیز عضو داعش هستند. پروفسور نویمان معتقد است شبه‌نظامیان خارجی به مراتب خطرناک‌ترند.

تروریست‌های غربی، به این دلیل که در سنین بزرگسالی داوطلبانه به ایدئولوژی داعش می‌گریند، از انگیزه بالایی برخوردارند و قادر به انجام وحشیانه‌ترین ترورها هستند.



«من ماه‌ها با این سنوال درگیر بودم تا این‌که خدا همان جوابی را که بدان نیاز داشتم، به من داد. خدایا، تو مرا به نزد این‌ها آوردی! (به داعش)» این جمله را «دان مورگان» (Don Morgan) ۴۴ ساله، یک آمریکایی‌تبار عضو داعش در مصاحبه با خبرگزاری آمریکایی NBC و در پاسخ به سنوالی مبنی بر انگیزه‌اش برای پیوستن به تروریست‌ها گفت و ادامه داد: «من خودم را افراطی نمی‌دانم، من فقط یک انسان عمل‌گرا هستم!»



دسو داگ خواننده موزیک رپ گانگستر در ویدئوهای متعددی همگان را به مبارزه علیه «دشمنان اسلام» (!) فرامی‌خواند و امروز در زمره تروریست‌های داعش است. او از سال ۲۰۰۴ در زمینه موزیک رپ مشغول به فعالیت بود و یک‌بار به جرم حمل مواد مخدر بازداشت شد. شش سال بعد یک تحول اساسی در زندگی‌اش ایجاد کرد و با نام مستعار «ابومالک» به سخنرانی‌های شدیدالحن و خشونت‌طلبانه پرداخت. او با انتشار این سخنرانی‌ها در اینترنت، نهادهای امنیتی آلمان را متوجه خود ساخت.



سارا او. دانش‌آموز ۱۶ ساله آلمانی که به‌گفته هم‌کلاسی‌هایش دختری محبوب، درس‌خوان و با اعتماد به نفس بود اکتبر ۲۰۱۳ بدون این‌که والدین، هم‌کلاسی‌ها یا معلماتش در مدرسه هومیولت متوجه شوند، راهی استانبول و از آن‌جا عازم سوریه شد. سارا پس از فرار از آلمان، فقط از طریق شبکه‌های اجتماعی با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد و روزمره خود را برای دوستانش این‌طور توصیف می‌کرد: خوابیدن، خوردن، کشتن، یادگرفتن و گوش‌دادن به سخنرانی‌ها. پس از چند هفته سارا به‌همراه یک تروریست داعشی از اهالی کلن آلمان، با پدرش تماس تلفنی برقرار کرد تا به آن‌ها اجازه ازدواج بدهد. پدر سارا مخالفت کرد، با این وجود سارا ۴ ژانویه ۲۰۱۴، در فیس‌بوکش نوشت که با این فرد اهل کلن ازدواج کرده است.



فیلیپ ب. ۲۷ ساله از اهالی ایالت وستفالن که به عنوان پیک پیتزایی مشغول به کار بود، در سال ۲۰۰۹ به اسلام گروید و ۲۰۱۳ با هدف پیوستن به داعش به همراه گروهی از اسلامی‌های آلمان به سوریه سفر کرد. فیلیپ طی یک عملیات انتحاری در ماه اوت، خودش و ۲۰ کرد را در نزدیکی موصل عراق منفجر کرد.



مجدی ۲۴ ساله آرایشگر دورگه آلمانی- تونسی ساکن فرانکفورت و دارای سبک زندگی غربی بود. بیلد می‌نویسد او دانما به پارتی‌های مختلط می‌رفت و مشروبات الکلی می‌نوشید. مجدی پس از فارغ التحصیلی، دیپلم آرایشگری گرفت و یک سالن در اوفن باخ اجاره کرد. اولین ارتباط او با سلفیون فرانکفورت در همین سالن آرایشگری شکل گرفت. وقتی مجدی به شهر خودش برگشت دیگر کسی او را نمی‌شناخت چون همواره یک لباس سفید بلند به تن داشت و ریش می‌گذاشت. وقتی از او پرسیدند که چرا آرایشگری را کنار گذاشت، مدعی شد: «امور دنیوی دیگر برای من جذابیتی ندارند».



مارکو کارگزار کلیسای کاتولیک ساکن ایالت وستفالن آلمان با تنها ۱۷ سال سن به سلفیون رادیکال گروید، عقاید خود را از طریق سایت یوتیوب منتشر کرد و نهایتاً تصمیم گرفت برای پیوستن به داعش در مبارزه با «بشار اسد» عازم سوریه شود. مارکو در ویدئوهایی که از سوریه ارسال می‌کرد به زبان آلمانی سخن می‌گفت. مارکو در ابتدای سال ۲۰۱۴ در سوریه کشته شد.



یکی از ۱۳۰ اتریشی تروریست در میان داعشی‌ها، فیراس هودی ۱۹ ساله از اهالی فلوریسدورف وین است که از سال گذشته برای داعش در سوریه می‌جنگد و مطالبی را در صفحه فیس‌بوکش می‌گذارد. به نوشته روزنامه صبح اتریش، فیراس در شهر وین آموزه‌های افراطی را فراگرفت و در جواب این سوال که چه چیز باعث شد در این جنگ شرکت کند گفت: شبکه «دولت اسلامی» (داعش) بسیار گسترده است؛ از آلاسکا تا اقیانوس. تو نمی‌فهمی که ما در وین چه تشکیلاتی داریم.



نموش جوان فرانسوی ۲۹ ساله با ریشه‌های الجزایری، نخستین تروریست داعشی بود که وقتی از سوریه به اروپا بازگشت، عملیات تروریستی فجیعی در وطن خود یعنی فرانسه پیاده کرد: ۲۴ مه امسال بود که او با یک کلاشینکف در مقابل موزه یهودیان شهر بروکسل به چهار نفر شلیک کرد. او پیش از این مدت هفت سال به جرم دزدی و رانندگی بدون گواهینامه در بازداشت به سر می‌برد که در همان‌جا به شبکه‌های ترور وصل شد و بلافاصله بعد از آزاد شدن از زندان در سال ۲۰۱۲ جهت آموزش دیدن، به سوریه سفر کرد.



شکیر ۳۰ ساله معروف به «ابوشاهد» تا زمان مرگش در مه ۲۰۱۴ بانفوذترین تروریست اروپایی داعش در رسانه‌ها به‌شمار می‌رفت. وی که ابتدا ساکن روستای کوهستانی پیرنه فرانسه بود، بعد از پیوستن به داعش طبق سنت معمول این گروه، پاسپورت فرانسوی خود را به آتش کشید و فیلم آن را در صفحات فیس‌بوک و توئیترش گذاشت. او به آن دسته از شهروندان اروپایی که مایلند به داعش بپیوندند ولی معمولاً به زبان عربی مسلط نیستند مژده داد که واحدهای ویژه‌ای با پنج یا شش عضو برای فرانسوی‌ها و بلژیکی‌ها در داعش تدارک دیده شده و منتظر آن‌هاست.



یونس عبود (Younes Abaaoud) جوان‌ترین عضو اروپایی داعش، نوجوان اهل بروکسل است که والدینش با ریشه‌های مراکشی بیش از ۴۰ سال در بلژیک هستند. او در آخرین عکس توئیتری‌اش تنها با ۱۴ سال یک کلاشینکف به‌دست دارد.



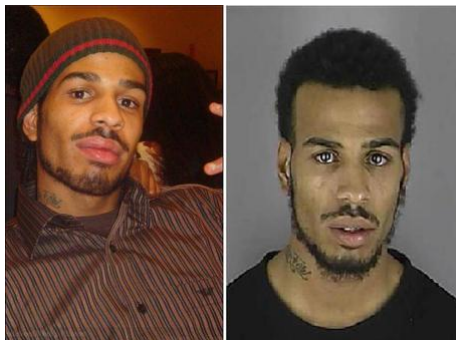
طاها شید (Taha Shade)، ۲۷ ساله متولد شهر صنعتی تروله تان سوند در مه ۲۰۱۳، چنانچه خودش می‌گفت، وطن خود را برای کمک به خلیفه البغدادی ترک کرد. نهادهای مالیاتی سوند درآمد سالیانه او پیش از عزیمت به سوریه را بیش از ۳۲۰۰۰ یورو اعلام کرده‌اند. طاها پنج ماه قبل از انجام عملیات انتحاری‌اش در ژانویه ۲۰۱۴ با «ام هاریتا» ۲۰ ساله تروریست داعشی اهل کانادا ازدواج کرده بود.



اقسی محمود (Aqsa Mahmood)، ۲۹ ساله معروف به آنچه «جهادگر نکاح» نامیده می‌شود، که در لندن از سوی اکانت‌های توئیتری دیگر زنان داعش تشویق می‌شد، روز به‌روز در سلفی‌گری افراطی‌تر شد تا این‌که نوامبر ۲۰۱۳ به سوریه سفر کرد. یکی از والدین اقسی در بی‌خبری و گنجی کامل به یک خبرگزاری انگلیسی گفته بود: متأسفانه اقسی در محیط پیرامون خود حل شد.



محمد حمید الرحمن (Muhammad Hamidur Rahman)، ۲۵ ساله در انگلیس فروشنده بود و بعدها جزو گروهی شد که تابستان ۲۰۱۳ از شهر پورتموث انگلیس به سوریه عزیمت کرد. اتوبوس این گروه برای از بین بردن هرگونه ردپایی اول راهی ترکیه شد و سپس مسیر خود را به سمت مرزهای سوریه کج کرد. محمد از آن روز به بعد فقط از طریق شبکه‌های اجتماعی با پدرش ارتباط برقرار می‌کند. پدرش معتقد است که محمد آرزو داشت در میان داعشی‌ها کشته شود. او اوایل اوت امسال در درگیری‌های زمینی سوریه کشته شد.



دوگلاس آرتور مک کین (Douglas McArthur McCain) ۳۳ ساله از اهالی ایالت می‌نه سوتای آمریکا در درگیری‌های اوت ۲۰۱۴ با گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه کشته شد. یکی از همکاران سابق او، او را از هر لحاظ یک جوان آمریکایی می‌داند. او طرفدار تیم بسکتبال شیکاگو بود و دیپلم خود را در سال ۱۹۹۹ اخذ کرد. دوگلاس بارها به جرم اخلاف در نظم عمومی و خرید و فروش موادمخدر با پلیس درگیر شد. او در سال ۲۰۰۳، به اسلام‌یون متمایل شد و عقاید افراطی‌اش را در فیس‌بوک اعلام نمود. دوگلاس پس از سفر به سوئد و کانادا عکسی از خودش منتشر کرد که پرچم سیاه داعش را به دور خودش پیچیده بود. این جوان آمریکایی اوایل امسال خبر عزیمتش به ترکیه را توییت کرد و نوشت: در گروه‌های سلفی مسلح در ترکیه، بسیاری از رفقای سابقم که با من در فست فود رستوران بورگرکینگ کار می‌کردند را دیدم. من اکنون در میان برادرانم هستم. برای داعش دعا کنید!!!



آندره ۲۴ ساله اهل کانادا که بعد ها نام خود را به «ابومسلم» تغییر داد، اندکی پیش از مرگش طی ویدئویی جهان بینی خود را خطاب به جوانان غربی تشریح کرد و از رفاه و آسایشی که در کانادا داشت با آن‌ها سخن گفت: «من یک نوجوان کامل عادی بودم که در کانادا بزرگ شده. قبل از این‌که به سوریه بیایم، عاشق ماهی‌گیری و هاکی روی یخ بودم. من افراطی نیستم!» بیلد می‌نویسد: البته اداره امنیت کانادا نظر دیگری دارد و اسناد موجود نشان می‌دهد آندره در خلال ارتباطاتش نحوه ساخت بمب‌های گوناگون را یاد گرفت و سرانجام در یکی از جنگ‌های تروریستی در سوریه کشته شد.

کتاب «داعش، داستان دولت اسلامی از زبان فراریان از آن»

گابریل دل گراند، خبرنگار ایتالیایی سرانجام توانست پس از پایان دادن به تحقیقاتش درباره داعش و بازماندگان ظلم این گروه در عراق و سوریه، چکیده یافته‌های خود را در کتابی با نام «داعش، داستان دولت اسلامی از زبان فراریان از آن» منتشر کند.



او که برای تهیه این کتاب تا سوریه سفر کرده بود، در آوریل سال گذشته میلادی توسط مقامات ترکیه دستگیر شد. گابریل دل گراند مدت دو هفته را بدون آن‌که دلیل بازداشتش مشخص شود در زندان سپری کرد، دست به اعتصاب غذا زد و در نهایت با فشار جامعه بین‌الملل آزاد شد. دل گراند برای تهیه این کتاب ۶۶ مصاحبه انجام داده است. او با افرادی که پیش‌تر سابقه فعالیت به عنوان افسر ارتش یا افسر اطلاعات داشتند، سیاست‌مدارانی که به زندان افتاده بودند، قاچاقچیان، فعالان حقوق بشر، عرب‌ها، کردها، شیعه‌ها، مسیحیان، علوی‌ها، سوری‌ها، خبرنگاران عراقی، آوارگان جنگ و در نهایت مردم عادی به گفتگو پرداخت؛ بیش از دویست ساعت مکالمه به زبان عربی. کتاب دل گراند تا حدودی چگونگی فعالیت تشکیلات داعش را برای همگان روشن می‌کند. او در مقدمه کتابش می‌نویسد که دو هفته‌ای که در زندان ترکیه گذرانده به تحقیق او کمک کرده است چراکه همان‌طور که پارتیزانی در حلب به او گفته بود «قضاوت از بیرون آسان است». یورونیوز با دل گراند درباره این کتاب به گفتگو نشست است که خلاصه‌ای از آن در ادامه ارائه می‌شود.

چرا و چگونه کسی سرباز داعش می‌شود؟

گابریل دل گراند می‌گوید: «شخصیت اصلی این کتاب پسری است که در ابتدا دست به اعتراض مسالمت‌آمیز علیه حکومت بشار اسد زده و سپس دستگیر شده است. او یکی از دوستان نزدیکش را در زندان و زیر شکنجه از دست می‌دهد و پس از آن است که به این نتیجه می‌رسد که تنها راه برای رسیدن به شرافت، عدالت و آزادی «مبارزه مسلحانه» است. او در ابتدا عضو ارتش آزاد سوریه می‌شود اما به مرور از فساد درون این تشکل آگاهی یافته و در نهایت گروه موسوم به دولت اسلامی را گروهی ایده آل می‌یابد و آرمانشهر خود را در ایدئولوژی حاکم بر این گروه جستجو می‌کند.»

به گفته دل گراند «مشکل این است که تا زمانی که ظلم و بی‌عدالتی در این کشورها غالب باشد و تا زمانی که یک ایدئولوژی انقلابی وجود نداشته باشد، چنین دیدگاه‌هایی می‌توانند در جذب نسل‌های سرکوب شده موفق باشند.»

دل گراند همچنین در این کتاب درباره سرویس مخفی تشکیلات داعش سخن می‌گوید و به گفته او «تا زمانی که سرویس مخفی داعش از بین نرود، داعش نیز متوقف نخواهد شد.»

او می‌گوید: «داعش شکست نخورده، بلکه تنها از پناهگاهش بیرون رانده شده است. شرایط جنگ و هرج و مرج همیشه فرصت مناسبی برای این نوع سازمان‌ها است تا دوباره ظاهر شوند. داعش سازمانی است که در چند سال گذشته توانست سرمایه و سلاح زیادی را جمع‌آوری کند و هنوز هم بسیاری از اعضای این گروه از قدرتی واقعی برخوردارند؛ قدرتی که با ساختار امنیتی این سازمان مرتبط است.»

به گفته دل‌گرانه ساختار امنیتی داعش در سه سطح طراحی شده است:

۱- امنیت داخلی که اساساً مربوط به فعالیت‌های ضدجاسوسی است و به این ترتیب آن‌ها نفوذگران سرویس‌های امنیتی خارجی را شناسایی می‌کنند.

۲- امنیت خارجی که مانند آژانس‌های اطلاعاتی در دیگر کشورها فعالیت می‌کند و به جمع‌آوری اطلاعات در دیگر سرزمین‌ها درباره دشمنان می‌پردازد.

۳- امنیت عملیات مخفی که شامل نیروهایی می‌شود که با پاسپورت اروپایی سفر می‌کنند و اغلب نیز شهروندان اروپا هستند. وظیفه آن‌ها سفر به منطقه خلیج فارس، ترکیه یا اتحادیه اروپا با هدف شناسایی و برنامه‌ریزی حملات است. این حملات بعداً توسط پسرانی جوان اجرا می‌شوند؛ پسرانی که گاه مستقیماً در پاریس یا در بلژیک استخدام می‌شوند. این پسران از زنجیره فرماندهی بی‌اطلاعت و تنها به‌عنوان مجری عملیات مورد استفاده قرار می‌گیرند و در نهایت نیز با مرگ خود هیچ ردی از شاهدان و برنامه‌ریزان عملیات در پشت سر خود باقی نمی‌گذارند.»

نوآم چامسکی؛ متفکر و زبان‌شناس مطرح آمریکایی باری گفت: «پیدایش داعش و گسترش عمومی رادیکالیزم نتیجه دست‌اندازی و اشنگتن در جامعه شکننده عراق است؛ جامعه‌ای که به سختی و بعد از یک دهه تحریم‌های شدید آمریکا و انگلیس در کنار هم مانده بود.»

چامسکی ظهور داعش و دیگر گروه‌های تروریستی مشابه را نتیجه طبیعی تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق خواند. این منتقد سرشناس نظام سرمایه‌داری، با اشاره به ناآرامی‌ها و تنش‌های ناشی از اقدامات تروریستی در منطقه و دست داشتن آمریکا و انگلیس در آن افزود: «... یکی از نتایج شوم تهاجم آمریکا و انگلیس شعله‌ور کردن درگیری‌های طایفه‌ای و فرقه‌گرایانه بوده که اکنون عراق را چند پاره کرده و این درگیری‌ها به دیگر نقاط منطقه سرایت کرده است.»

چامسکی با اشاره به نقش ریاض در تامین مالی و ایجاد گروه‌های تروریستی در منطقه گفت: «عربستان سعودی، متحد آمریکا یکی از افراطی‌ترین کشورهای اسلامی در جهان است؛ کشوری که با استفاده از منابع غنی نفتی خود و با تاسیس مدارس مذهبی و مساجد خود به دنبال ترویج دکترین و آموزه‌های وهابی سلفی خود است.»

بررسی‌های اولیه نشان داد که معاون رییس جمهوری حتی در سال‌های خونین عراق از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷، ارتباط سری با شبکه القاعده داشته و شماره تلفن او در گوشی ابومصعب الزرقاوی؛ رهبر پیشین القاعده عراق نیز وجود داشت. با این حساب، الهاشمی فرد فعال و دیپلماتیکی بوده که هم با آمریکایی‌ها میانه خوبی داشت، هم با آنکارا و ریاض و هم با القاعده که البته توانست در این مدت این هماهنگی را حفظ کند، یا این ارتباط مثلی، بخشی از ماموریت مورد توافق او با کشورهای غربی و عربی بود.

پس از این اتفاقات، پنج‌شنبه خونین بغداد روی داد. ۱۸ انفجار سلسله‌ای که در ۹ سال پیش از آن، در عراق کم سابقه بود. ده‌ها نفر در اثر این رشته بمب‌گذاری‌ها و انفجارهای زنجیره‌ای در مناطق اغلب شیعه نشین بغداد کشته شدند و یک گروه وابسته به القاعده در عراق مسئولیت این انفجارها را بر عهده گرفت.

این گروه که خود را «دولت اسلامی عراق» خواند، با انتشار بیاتیه‌ای هدف از انجام حملات عراق را حمایت از مسلمانان سنی این کشور در برابر «طرحی ایرانی» خواند.

این رویدادها که مستقیماً با اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس و سپس خروج بی‌دست‌آورد آن‌ها نسبت داشت، سرآغاز شکل‌گیری داعش و تولد این گروه تروریستی بود.

دولت‌ها با داعشی‌های بازگشته از عراق و سوریه چه می‌کنند؟

پس از سقوط آخرین سنگر داعش در سوریه، بسیاری از کشورها را با این چالش روبه‌رو کرده است که با این اسلام‌گرایان افراطی که به کشورهایشان برمی‌گردند، چه کنند؟

نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) به‌عنوان اصلی‌ترین جنبشی که با داعش در نبرد بود، تا کنون صدها ستیزه‌جوی خارجی عضو داعش را بازداشت کرده است.

علاوه بر این ستیزه‌جویان، شمار قابل‌توجهی از اعضای خانواده‌های داعش نیز اکنون در سرزمین‌های تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه به‌سر می‌برند؛ یعنی زنان و کودکانی که در نبردها شرکت نداشته‌اند.

این داعشی‌ها عمدتاً از کشورهای تونس، مراکش، عربستان سعودی، ترکیه و روسیه همچنین فرانسه، بریتانیا، آلمان و بلژیک به سوریه رفته‌اند.

فرانسه: اجرای طرح بازگشت.

پیش از این نیروهای دموکراتیک سوریه تاکنون حدود ۵۰ زن و مرد فرانسوی و ۸۰ کودک را در سوریه بازداشت کرده بودند و برآورد می‌شود که حدود ۲۵۰ مرد و زن و کودک هم‌چنان در مناطق تحت کنترل داعش در سوریه باقی مانده باشند.

همچنین برآورد می‌شود که بیش از ۳۰۰ جهادی فرانسوی نیز در میانه نبرد برای داعش کشته شده‌اند.

مقامات فرانسه می‌گویند در تلاشند تا پس از بازگشت جهادی‌ها، از پراکنده شدن آن‌ها در کشور جلوگیری کنند. آن‌ها همچنین از احتمال پذیرش ۱۳۰ فرانسوی که هم اکنون در بازداشت نیروهای دموکراتیک سوریه هستند سخن گفته‌اند اما هنوز جزئیات طرح خود را منتشر نکرده‌اند.

بلژیک: به وضعیت جهادی‌ها مورد به مورد رسیدگی خواهد شد.

از بیش از ۴۰۰ بلژیکی که از سال ۲۰۱۲ میلادی برای داعش می‌جنگند حدود ۱۵۰ جهادی هم‌چنان در عراق و سوریه فعال بودند و در نبردها شرکت داشتند. به این تعداد باید حدود ۱۶۰ کودک و نوجوان متولد شده از پدر یا مادری بلژیکی را نیز اضافه کرد.

دولت بلژیک می‌گوید به بازگشت کودکان کمتر از ۱۰ سال در صورت اثبات این موضوع که پدر یا مادرشان بلژیکی بوده، کمک خواهد کرد و به وضعیت دیگر جهادی‌ها یا اعضای خانواده آن‌ها نیز مورد به مورد رسیدگی می‌شود.

آلمان: حمایت از حق بازگشت.

بیش از ۱۰۵۰ جهادی از آلمان به عراق یا سوریه رفتند و حدود یک سوم آن‌ها نیز دوباره به این کشور برگشتند. بنا بر اعلام وزیر خارجه آلمان «همه شهروندان آلمان، از جمله آن‌هایی که مظنون به مبارزه برای داعش هستند، حق بازگشت به آلمان را دارند.»

بریتانیا: تهدید بزرگ

تا ژوئن ۲۰۱۸ میلادی نزدیک به ۴۰۰ نفر از حدود ۹۰۰ جهادی بریتانیایی که به عراق و سوریه رفته بودند، به کشورشان برگشتند. در این جمع شمار قابل‌توجهی زن و کودک نیز دیده می‌شدند.

از این تعداد ۴۰ نفر تحت تعقیب قرار گرفتند. بریتانیا همچنین برنامه‌ای را با هدف کاهش دیدگاه‌های افراط‌گرایانه در جهادی‌های بازگشته به کشور، به اجرا گذاشته است.

در ژانویه ۲۰۱۹ میلادی لندن برآورد کرد که ۲۰۰ جهادی بریتانیایی همچنان در عراق و بریتانیا باقی مانده باشند. به‌تازگی یکی از مقامات ارشد ضدتروریسم این کشور، این جهادی‌ها را «بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی کشور» توصیف کرد.

روسیه: طرحی برای بازگشت وجود ندارد.

بنا بر اعلام سرویس امنیت روسیه در اوایل سال ۲۰۱۸ میلادی، حدود ۴۵۰۰ شهروند روسیه به خارج از این کشور رفته‌اند تا در کنار «تروریست‌ها» بجنگند و برخی از آن‌ها خانواده‌هایشان را نیز با خود برده‌اند.

مسکو تا کنون از هیچ طرحی برای بازگشت این جهادی‌ها سخن نگفته اما از سال گذشته میلادی تا کنون حدود ۱۰۰ زن و کودک که عمدتاً هم اهل منطقه قفقاز بودند، تحت برنامه‌ای که رمضان قدیروف، رئیس جمهوری خودمختار چچن از آن حمایت می‌کند، به کشور بازگشته‌اند.

با این وجود در نوامبر ۲۰۱۸ میلادی، خدای ساراتووا فعال حقوق بشر چچنی، سرویس امنیت فدرال روسیه را متهم کرد که تلاش‌ها برای بازگرداندن باقی‌مانده بیوه‌ها و کودکان جهادی‌های روسی عضو داعش را متوقف کرده است.

بنا بر اعلام خانم ساراتووا، بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک در عراق و سوریه باقی مانده‌اند.

کوزوو، آلبانی: زندان

از مجموع ۳۰۰ جهادی که از کوزوو به عراق و سوریه رفتند، ۱۴۵ نفر هنوز در آن‌جا به سر می‌برند که نیمی از این تعداد زن و کودک هستند.

بر اساس قانون جدید کوزوو، جهادی‌ها پس از بازگشت به کشور با مجازات ۵ تا ۱۵ سال زندان روبه‌رو خواهند بود. حدود ۲۰ روحانی نیز انتخاب شده‌اند تا برنامه کاهش دیدگاه‌های افراط‌گرایانه در جهادی‌ها را در زندان‌ها اجرا کنند.

در کشور همسایه، یعنی آلبانی نیز طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ میلادی ۱۴۵ نفر از جمله شماری زن و کودک به مناطقی رفتند که جهادی‌ها در آن‌جا مشغول جنگ بودند. مرگ ۲۳ نفر از این تعداد تایید شده است و ۴۵ نفر نیز به کشورشان برگشته‌اند.

دولت آلبانی نیز برنامه‌هایی را برای کاهش دیدگاه‌های افراط‌گرایانه در جهادی‌ها به اجرا گذاشته است از جمله کمک‌های اقتصادی به آن‌ها برای بازگشت به کشور. کسانی که جهادی‌ها را استخدام می‌کردند نیز با ۱۸ سال زندان روبه‌رو هستند.

مراکش: زندان

در سال ۲۰۱۵ میلادی، شمار مراکشی‌هایی که در کنار گروه‌های جهادی در عراق و سوریه می‌جنگیدند بیش از ۱۶۰۰ نفر برآورد شد. آن دسته از مراکشی‌هایی که به کشورشان برگشتند بازداشت و پس از محاکمه، زندانی شدند. احکام زندان آن‌ها بین ۱۰ تا ۱۵ سال بود و تا نیمه سال ۲۰۱۸ میلادی، بیش از ۲۰۰ نفر از این افراد تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

تونس: پذیرش از مسیر سیستم قضایی.

بر اساس برآوردها بین ۳ هزار تا ۵ هزار شهروند تونسی در میان اعضای داعش در سوریه و عراق و لیبی بوده‌اند. دولت تونس تمایلی به بازگشت آن‌ها ندارد و محمد باجی قائد، رئیس جمهوری تونس نیز به تازگی اعلام کرد که اگرچه قانون اساسی از پذیرش همه شهروندان سخن می‌گوید اما این افراد باید برای پذیرش دوباره در این کشور از مسیر عدالت عبور کرده و مجازات زندان را تحمل کنند.

اندونزی: داعشی‌ها تحت نظر هستند.

حدود ۵۹۰ اندونزیایی که به نیروهای داعش پیوسته‌اند همچنان در سوریه به سر می‌برند. شمار شهروندان این کشور در عراق مشخص نیست. آن دسته از شهروندان اندونزی که به کشورشان برمی‌گردند باید ابتدا در برنامه کاهش دیدگاه‌های افراط‌گرایانه شرکت کنند و پس از آن می‌توانند آزادانه زندگی کنند اما همواره تحت نظر خواهند بود.

جایگاه زنان در ایدئولوژی اسلامی داعش

بر اساس گزارش رسانه‌ها، داعش در جریان حمله سال گذشته به سنجار عراق شمار زیادی از دختران ایزدی را که اکثر آن‌ها زیر سن قانونی بودند، به اسارت گرفت.

دست‌کم ۲۰۰۰ دختر و زن ایزدی هنوز در اسارت نیروهای داعش هستند و تنها شمار اندکی از آن‌ها توانسته‌اند فرار کنند.

از سوی دیگر، گزارش یک موسسه تحقیقاتی غربی که اواخر سال گذشته خورشیدی منتشر شد خاطرنشان می‌کند که بیش از ۵۰۰ زن از کشورهای اروپای غربی به نیروهای داعش در سوریه و عراق پیوسته‌اند.

این گزارش می‌گوید ۵۵۰ زن از کشورهای اروپای غربی به نیروهای داعش که بخش بزرگی از سوریه و مناطقی در عراق را در اشغال خود دارند، پیوسته‌اند.

در این میان، ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که بین ۵۰ تا ۶۰ زن مسلمان انگلیسی از طریق خاک ترکیه به سوریه رفته تا به گروه داعش بپیوندند که از جمله آن‌ها پیوستن دخترانی به‌نام‌های یسرا حسین دختر دانش‌آموز، اقصی محمود دانشجو و خواهران دوقلو به نام سلما و زهرا حنین بازتاب وسیع خبری و رسانه‌ای پیدا کرد. علاوه بر انگلیس، زنان مسلمان دیگری هم از کشورهای آمریکا، اتریش، فرانسه، هلند، کانادا، ناروی و سوئد به این گروه پیوسته‌اند.

با این حساب، پرسش این است که چه چیزی در داعش و مردان وحشت‌آور این سازمان مخوف وجود دارد که برای دختران کم سن و سال و مرفه غرب‌نشین که بدون تردید از همه موهبت‌های زندگی مدرن از جمله دسترسی آسان و سهل‌الوصول به انواع لذت‌های مادی و دنیوی بهرمند هستند، جذابیت دارد که آن‌ها حاضر می‌شوند در تصمیمی بی‌بازگشت، بر همه هستی‌شان پا بگذارند، خانواده و پیوندهای عاطفی،

روابط انسانی، پیوندهای اجتماعی، موقعیت رویایی زندگی در غرب مدرن و پیشرفته، رفاه، امنیت، آینده درخشان و همه چیزشان را رها کنند و راهی سرزمینی شوند که در آن جز مرگ آفرینی، خشونت، قتل عام، خونریزی و وحشت پيامی برای انسان و جهان وجود ندارد؟ تصاویری منتشر شده که در آن‌ها می‌توان زنان مسلح به کلاشینکف، زنانی که جلیقه مخصوص بمب‌گذاری انتحاری پوشیده‌اند و حتی زنان دیگری را دید که یک سر بریده را در دست گرفته‌اند.

یک پزشک زن اهل مالزی باری در یک پیام توییتری خود نوشته بود: «گوشی پزشکی دور گردنم و کلاشینکف روی شانه‌ام! شهادت بزرگ‌ترین آرزوی من است.»

این‌ها همه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی‌های بسیار پیچیده و به‌شدت کارشناسی شده‌ای پشت این اقدامات وجود دارد که از سوی اتاق‌های فکر حامیان تروریسم و افراط‌گرایی، سازمان‌دهی و به کمک شبکه‌های اجتماعی وابسته به آن‌ها اشاعه و منتشر و تبلیغ می‌شوند.

زینب بانگورا نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در امور مربوط به خشونت‌های جنسی در مناطق مورد مناقشه، می‌گوید که در سفر خود به عراق نسخه‌ای از سندی را به دست آورده که شامل هزینه‌های مربوط به فروش گروگان‌های زن است که در میان عناصر داعش دست به‌دست می‌شوند.

بانگورا می‌افزاید این زنان مانند شبکه‌های بنزین در بازار به فروش می‌رسند، به گونه‌ای که حتی پنج یا شش مرد می‌توانند یک دختر را خریداری کنند.

نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد، می‌افزاید که عناصر مسلح داعش در برخی از موارد دختران ربوده شده را با دریافت هزاران دلار به خانواده‌هایشان پس می‌دهند.

بانگورا جزئیات زیادی در رابطه با تجارت برده در عراق و سوریه فاش کرده و نوشته در این رابطه اولویت به سرکردگان داعش داده می‌شد و آن‌ها در درجه اول می‌توانستند دختران مورد نظر خود را از میان گروگان‌ها انتخاب کنند.

وی افزود که گروگان‌هایی که هیچ کس آن‌ها را انتخاب نمی‌کرد، در یک مزایده علنی در برابر ساکنان ثروتمند مناطق تحت سلطه داعش به فروش می‌رسیدند.

بر اساس سندی که به‌دست نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد رسیده است، قیمتی که برای دختران نوجوان تعیین شده بود، ۱۲۴ دلار بوده است. زنان بین ۲۰ تا ۳۰ سال حداکثر با ۸۰ دلار و زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال با قیمت ۶۰ دلار به فروش می‌رسیدند. زنان بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن نیز با قیمت ۴۰ دلار فروخته می‌شدند.

به‌گفته زینب بانگورا هزاران نفر از زنان و نوجوانان در طول مبارزات به دست عناصر مسلح تروریست می‌افتادند و داعش اغلب قربانیان را در بازار به فروش می‌رساند و برخی از آنان را نیز به مبارزان خود تحویل می‌دادند که شدیدترین تجاوزهای جنسی ضد این افراد اعمال می‌شد.

در سال ۲۰۰۶، روزنامه انگلیسی دیلی میل نوار ویدئویی و مجموعه‌ای از تصاویر را منتشر کرد که نشان دهنده رفتار گروه تروریستی داعش با یکی از زندانیان زن در منطقه منبج سوریه بود. این ویدئو بعد از آزادسازی شهر مذکور از مراکز تحت سلطه داعش به دست آمده بود.

این روزنامه، همچنین در یکی از گزارش‌های اخیر خود تصاویری از جنایت‌های داعش ضد زندانیان زن در یکی از زندان‌های گروه تروریستی داعش منتشر کرده است. برخی از زنان نمایش داده شده در این تصویر مملو از خون بودند و برخی از آنان در میان تعفن موجود در کف زندان‌ها رها شده بودند. در این زندان همچنین ابزارهای شکنجه وحشیانه و مواد مخدر و وسایل جلوگیری از بارداری و محرک‌های جنسی کشف شد.

شبکه سی‌ان‌ان آمریکا در اکتبر سال گذشته، داستان یک دختر آمریکایی با نام سامانتا الحسانی و بلاهایی که گروه تروریستی داعش بر سر وی آورده‌اند را منتشر کرده است. این دختر نوجوان از بازار خریداری می‌شود و مورد تجاوز به عنف قرار می‌گیرد. سامانتا می‌گوید که عناصر داعش گروهی معتاد به مواد مخدر هستند که هیچ پناهگاهی ندارند و به بهانه دین تلاش دارند دولتی برای خود دست و پا کنند.

شبکه فرانس ۲۴ در گزارشی می‌نویسد که یک کارشناس آمریکایی متخصص در زمینه روان‌شناسی سیاسی معتقد است که بیش‌تر عناصر افراطی فریب خورده که از طریق ترکیه داوطلب پیوستن به گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق شده بودند، انگیزه‌های دنیوی داشتند که اساساً مرتبط با انگیزه‌های شهوانی و ماجراجویی و تحریک آن‌ها بوده است.

بررسی فتاوی و دیدگاه‌های شیوخ و دارالافتای داعش نشان می‌دهد که آن‌ها همچنان افکار اسلامی خود را به عناصر داعش می‌آموزند و وعده‌هایی را مبنی بر ورود به بهشت موعود و پذیرایی از آن‌ها توسط حورالعین در صورت شهادت مطرح می‌کنند.

خبرگزاری رویترز در روز ۲۸ فوریه ۲۰۱۷، گزارشی را منتشر کرد که مجموعه‌ای از نامه‌ها از مناطق آزاد شده موصل در آن منتشر شده بود. یکی از این نامه‌ها، نامه نوجوان ۱۵ ساله‌ای بود که برای خانواده اش نوشته بود و از آن‌ها خواسته بود که برای مرگ وی ناراحت نشود. او در این نامه تاکید کرده بود: از شما خواستم که مراسم ازدواج برای من برگزار کنید، اما شما این کار را نکردید، به خدا قسم من با ۷۲ نفر از حورالعین ازدواج خواهم کرد.

در گزارش‌های بین‌المللی حقوقی و رسانه‌ای مطالب زیادی در خصوص پدیده موسوم به جهاد نکاح یا سوءاستفاده جنسی از زنان در داخل سازمان داعش منتشر شده است.

روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتر، در گزارشی در سال ۲۰۱۵ نوشته تعداد زیادی از عناصر گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در نتیجه روابط جنسی مختلط بین مبارزان و زنانی که از کشورهای متعدد آمده بودند، دچار بیماری ایدز شده‌اند.

بعد از فتوایی که شیوخ وابسته با جریان‌های تروریستی اسلامی در رابطه با جهاد نکاح مطرح کردند، بسیاری از دختران از کشورهای مختلف عربی برای ارائه خدمات جنسی به عناصر مسلح داعش به سوریه سفر کردند.

در یکی از تصاویری که از طریق سایت یوتیوب منتشر شده، یک دختر سوری خاطرات خود را تعریف کرده و می‌گوید که چگونه در نتیجه فشارهای پدرش مجبور به برقراری رابطه جنسی با عناصر مسلح داعش شده است. او عناصر داعش را به خانه‌اش دعوت کرده بود تا با دختر کوچکش جهاد نکاح انجام شود. او معتقد بود که این اقدام یک جهاد است و ثواب اخروی دارد و جایگاه این دختر بعد از مرگ در بهشت خواهد بود.

عائشة البکری دختر سعودی ۱۵ ساله در سال ۲۰۱۳، اعتراف کرد که چگونه بیش از ۶ ماه با عناصر داعش روابط جنسی داشته است. رسانه‌های جمعی به نقل از عایشه نوشتند که وی در این مدت با بیش از هزار نفر از تروریست‌های داعش از ملیت‌های مختلف رابطه جنسی برقرار کرده که بیش‌تر آن‌ها اهل الجزایر بوده‌اند.

گزارش‌های مطبوعاتی توضیح می‌دهند که چگونه عناصر داعش و گروه‌های وابسته به فعالیت‌های تروریستی این گروه، با استفاده از مسائل شهوانی و جهاد نکاح و حورالعین اقدام به جذب عناصر مختلف از کشورهای متعدد کرده و در این رابطه از افسانه‌هایی که به شکل فتوای دینی می‌سازند، بهره‌برداری می‌کنند.

در سال ۲۰۱۶، عناصر داعش از یکی از بازیگران و خوانندگان مشهور عربی به نام هیفاء وهبی درخواست کردند که به جهاد نکاح بپیوندد. یکی از عناصر منتسب به داعش با نام ابو حارث الداعشی در این رابطه در صفحه خود در سایت توییتر نوشت: بدن هیفاء وهبی باعث تحریک ما می‌شود، ما او را به جهاد نکاح دعوت می‌کنیم و اجرا او با خداوند خواهد بود!

پدر البغدادی رهبر داعش، گفته است که اولین همسر بغدادی ورده جاسم محمد نام داشت که دختر عمویش بود. ابوبکر ۵ فرزند به نام‌های محمود، حذیفه، صهیب، زید و عبدالمجید از وی دارد. همسر دوم بغدادی ایمان مقبول طه نام دارد که یک فرزند پسر به نام بصیر و ۲ دختر به نام‌های امل و بشری برای او به دنیا آورد.

همسر سوم وی سچی الدلیمی است که بعدها از وی طلاق گرفت و در لبنان بازداشت شد. سرنوشت این زن نامعلوم است. او متهم به تامین مالی گروه تروریستی داعش بوده و گزارش‌های بین‌المللی او را زنی با اراده و مستقل توصیه کرده است. گفته می‌شود او صدها هزار دلار در سال ۲۰۱۴، برای عناصر تروریستی داعش در مرزهای لبنان انتقال داده است. به‌تازگی گروه تروریستی داعش از هلاکت یکی از فرزندان ابوبکر البغدادی یعنی حذیفه در درگیری با دیگر گروه‌های تروریستی در استان حمص خبر داد.

در سال ۲۰۱۵، خانواده یکی از کارمندان سازمان‌های امدادی بین‌المللی در عراق به نام کایلا مولر که گروه تروریستی داعش او را به گروگان گرفته بود، ابوبکر البغدادی را به تجاوز جنسی به وی در منزل ابوسیف از سرکردگان داعش متهم کرد. بر اساس گزارش شبکه سی ان ان آمریکا، خانواده مولر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ابوبکر البغدادی در منزل یکی از عناصر وابسته به داعش به دخترشان تجاوز جنسی کرده است. مدتی بعد گزارش‌های مطبوعاتی اعلام کردند که کایلا مولر در یکی از حملات صورت گرفته در مرز اردن و سوریه کشته شده است.



خبرگزاری آسوشیتدپرس در این رابطه می‌نویسد که ابوبکر بغدادی اقدام به تجاوز به عنف به این دختر ۲۶ ساله آمریکایی کرده است. این اتفاق زمانی افتاد که عناصر گروه تروریستی داعش این فرد را ربودند. در نهایت در فوریه سال گذشته اعلام شد که وی کشته شده است. رسانه‌های جمعی به نقل از یکی از منابع اطلاعاتی آمریکا می‌گویند که سرکرده داعش هنگامی که در زندان بوکا در بصره بوده است، بارها در حال اقدامات جنسی با دیگر مردان زندانی دستگیر شده بود.

در نوامبر سال ۲۰۱۷، ژانس خبری روسی اسپوتنیک در گزارشی نوشت داعش تاکنون بالغ بر هزار و ۷۰۰ زن و دختر ایزدی عراقی را با پول معامله کرده است. این اتفاق ۳ سال بعد از آن انجام می‌شود که آن‌ها به عنوان کنیز و بردگان جنسی توسط عناصر مختلف داعش مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. این زنان و دختران از مناطق سنجار و روستاهای غرب موصل و مرکز نینوا در شمال عراق ربوده شدند.

در جولای سال ۲۰۱۷، سایت‌های اجتماعی تصاویری از الملا ساجد احمد علی الشرجی منتشر کردند که با تعدادی از دختران ایزدی و به‌صورتی نامناسب و بی‌شرمانه گرفته شده بود.

در جولای ۲۰۱۷، همچنین یک دختر ایزدی به نام اخلاص که تنها ۱۴ سال از عمرش می‌گذشت، اذعان کرد که بیش از ۱۸۰ بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. او ادامه داد که حدود شش ماه در اسارت گروه تروریستی داعش به سر برده و همه روزه از سوی عناصر داعش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

لمیاء حبی بشار دختر دیگری از ایزدی‌ها است که مصیبت خود با عناصر گروه تروریستی داعش را این‌گونه بیان کرده است: بعد از این‌که داعش به منطقه حمله کرد، عشایر مختلف ضد ما توطئه کردند و زنان و کودکان را گرفته و به سوریه بردند. آن‌ها من را در بازار برده فروشان در الرقه به فروش رساندند.

او می‌گوید که دو بار تلاش کرده از دست تروریست‌های داعش فرار کند، اما نتوانسته است. داعشی‌ها دست آخر او را به یک عضو خود در منطقه موصل که متخصص در زمینه بمب‌گذاری خودروها بود، فروختند.

سرنوشت زنان و کودکان داعشی

«روزان علوش» ریاست مشترک امور بشری خودمديريتي دمکراتیک شمال و شرق سوریه، در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرات، پنج‌شنبه ۱۴ مارس ۲۰۱۹، گفت: راهحل برای همسران و فرزندان تبهکاران داعش، بخشی از مبارزه علیه داعش است. علوش در ادامه سخنانش افزود: در صورتی که تدابیر لازم برای این امر اندیشیده نشوند، فرزندان این تبهکاران ترور را جانی نو خواهند بخشید. علوش در ارتباط با افزایش روزانه شمار خانواده‌های داعش اظهار داشت: اکنون نیرویی برای تامین امنیت و مایحتاج روزانه و آموزش آنان نداریم، از همین رو لازم است دولت‌های دیگر از آموزش و پرورش آنها حمایت نمایند.

طی روزهای اخیر همسران و فرزندان تسلیمی تبهکاران داعشی که از دیرالزور و باغوز خارج شده‌اند در اردوگاه‌های عین عیسی، روز، هول در منطقه‌ی خودمديريتي دمکراتیک اسکان یافته‌اند. در مرحله عملیات آزادسازی باغوز شمار ساکنان کمپ هول به ۶۴ هزار و ۱۱۴ نفر رسیده است که از این میان ۶ هزار نفر متعلق به خانواده‌های تبهکاران داعش هستند. در کمپ عین عیسی نیز ۳ هزار زن و کودک وجود دارند که در میان داعشیان بود و در کمپ روز نیز شمار این افراد به ۲ هزار نفر می‌رسد.

روزان علوش در بخش دیگری از سخنان خود افزود که در مرحله عملیات آزادسازی منبج زنان بسیاری از خانواده‌های داعش تسلیم آنها شدند، در مرحله‌ی عملیات آزادسازی رقه نیز بسیاری از خانواده‌های داعشی تسلیم شدند. اکنون در سه کمپ عین عیسی، هول و روز خانواده‌های تبهکاران داعش اسکان یافته‌اند. برخورد ما با زنان اندکی متفاوت است. عده‌ای به دلیل تبعیت از شوهران تبهکارشان، عده‌ای به دلیل بچه‌ها و برخی نیز بنا به باور خود به داعش پیوسته‌اند. برای تفکیک این سه گروه تلاش‌هایی در جریان است. اما قبل از هر چیز نوع برخورد ما با این افراد مبتنی بر معیارهای بشری است. اما در ارتباط با این افراد مشغول تحقیق هستیم. برخی به جرایم خود اعتراف کرده‌اند. کسانی که مرتکب جرم شده‌اند، قبل از آن که تسلیم شوند، ما از جرایم آنان آگاهی داریم. اما معیار ما بر این امر مبتنی است که خانواده‌ها را با اردوگاه‌ها فرستاده و افرادی را نیز که مرتکب جرم شده‌اند به مکانهای ویژه بفرستیم. جای آنها و پناهندگان منفک از یکدیگر است.

روزان به مشکلات این کمپ‌ها اشاره کرد که خانواده‌های تبهکاران داعش در آن ساکن بوده و اظهار داشت: در عین عیسی ما برنامه آموزشی را برای زنان برگزار کردیم. برخی از زنان نقاب از چهره برداشته اجازه دادند فرزندانشان به مدرسه بروند. اما بعد از مدتی زنی به نام «ام احمد مصری» به کمپ آمده و زنان دوباره نقاب زده و اجازه ندادند فرزندانشان دیگر به مدرسه بروند. زنانی که به این شیوه به ترویج خشونت علیه زنان دیگر دست می‌زنند، مورد بازجویی قرار می‌گیرند. البته موارد از این دست فراوان نیستند. اما زنان بسیاری هستند که درصد رهایی از ذهنیت منحوس داعش بوده و خواستار شروع زندگی اجتماعی جدیدی هستند. از سوی دیگر چون قادر به تامین برق تمامی کمپ‌ها نیستیم مشکلاتی به وقوع می‌پیوندند. اکنون از امکانات تامین الکتریسیته به‌طور روزانه برخوردار نیستیم. اما هنگامی که با چنین جرایمی روبرو می‌شویم، زنان به زندان انتقال می‌یابند. از طرف دیگر نمی‌توانیم همه مجرمان را نیز به زندان انتقال دهیم. چون زندان بزرگی در اختیار نداریم. می‌خواهیم از زندگی عادی‌شان برخوردار شوند. اما زنانی وجود دارند که می‌توانند تمامی کمپ‌ها را دچار اغتشاش کنند. این زنان از روحیه و طبیعت زنانه دور شده‌اند و خشونت‌ورزی را امری مشروع قلمداد می‌کنند.

تلاش برای بازپروری زنان

روزان علوش در بخش دیگر از این گفت‌وگو اظهار داشت: اگر زنان سوری دچار جرمی نشده باشند، این زنان را به سوی خانواده‌هایشان می‌فرستند. زنانی که دچار قتل نشده‌اند و در این کمپ‌ها تنها مانده باشند، خانواده‌هایشان برای تحویل آنان نزد ما خواهند آمد. اما تحقیق و بازجویی از این زنان چند ماه ادامه خواهد یافت. هنگامی که مشخص شود این زنان مرتکب جرمی نشده‌اند، آنها را به خانواده‌هایشان تحویل می‌دهیم. برای زنانی که از اتباع سوریه نیستند تلاش‌های بین‌المللی در جریان است. صلیب سرخ جهانی این تلاش‌ها را بر عهده دارد. کمیته امور بشری ما مرتباً و پیوسته به شیوهای رسمی با دولت‌های دیگر در ارتباط است. تا کنون آمریکا یک زن و دو فرزند، سودان ۶-۵ زن و فرزندان‌شان را برده‌اند. روسیه نیز چند خانواده را انتقال داده است. اندونزی زنان و فرزندان زیادی را انتقال داده است. بلژیک نیز اعلام کرده است که زنان را منتقل کرده اما فرزندان‌شان را نمی‌برند. ما نیز اعلام نمودیم که یا باید تمامی افراد خانواده انتقال یابند یا راه دیگری را خواهیم یافت. فرانسه بازگشت و انتقال هیچ خانواده‌ای را نپذیرفت. در نتیجه دیدارها، دریافتیم که هیچ یک از این دولتها به شیوهای جدی با این مسئله تعامل ندارد. اکنون در ارتباط با آلترناتیف یک دادگاه بین‌المللی بحث و گفت‌وگو می‌شود.

لزوم احداث مدارس ویژه

روزان علوش با اشاره به درهم شکستن داعش در بعد نظامی بر لزوم احداث مدارس ویژه برای زنان و فرزندان داعش تاکید کرده و گفت: در این رابطه استراتژی و طرح‌هایی را در دست داریم. اکنون با نیروهای ائتلاف دیدارهایی را در این رابطه انجام می‌دهیم. درست است که داعش در بعد نظامی شکست خورده است اما در بعد ذهنی همچنان ادامه دارد. باید برای تغییر نگرش خانواده‌های آنان تلاش‌های لازم انجام داده شود. این امر نیازمند بعد مالی و تخصص آموزشی است. لازم است خانواده‌های تبهکاران و پناهندگانی که در میان داعش بوده‌اند، بازپروری شوند. بازپروری این افراد نیازمند نیروهای متخصص می‌باشد. در کمپ‌های ما مدارس وجود دارند. در عین عیسی ۶ مدرسه وجود دارند که از این تعداد، ۵ مدرسه برای پناهندگان و یک مدرسه نیز برای فرزندان تبهکاران داعش دایر شده است. در کمپ روز برای فرزندان داعش یک مدرسه وجود دارد، اما کمپ هول فاقد مدرسه است. این مدارس جزو مدارس معمولی محسوب می‌شوند. اما این کودکان نیازمند مدارس ویژه هستند. در این راستا برنامه‌ها و طرح‌های فراوانی را در دست داریم. اما به تنهایی قادر به اجرای این برنامه‌ها نیستیم. نیروهای ائتلاف نیز بر این باورند که ما نسبت به اجرای این برنامه محق بوده و نیازمند پروژه‌ای عظیم می‌باشد اما تاکنون در این رابطه کمکی نشده است. اکنون دیگر توانی برای تامین مایحتاج این افراد نداشته و نمی‌توانیم نسبت به آموزش آنها نیز اقدام کنیم. شمار فرزندان داعشی بسیار است. این کودکان برای آینده می‌توانند مایه خطر باشند. اگر این کودکان بازپروری نشوند فردا در آینده‌ای نزدیک از طریق این کودکان سازمانهای تروریستی جدیدی ایجاد خواهند شد. از همین رو لازم است که تمامی دولت‌ها نسبت به آموزش ویژه این کودکان تلاش نمایند. باید برای این مسئله راهحلی یافته شود.

داعش امکان بازسازی دارد؟

داعش از نظر جغرافیایی شکست خورده و دیگر منطقه آزاده شده در سوریه و عراق ندارد. اما به لحاظ سیاسی و ایدئولوژی اسلامی، شکست نخورده است. از این رو، به نظر من داعش امکان بازسازی دارد تا از یک کشور دیگری ظهور کند. چرا که اولاً فرماندهان کارکنان و با تجربه‌ای دارند. دوماً آنها تکنیک‌های تبلیغی و عضوگیری خود را از دست نداده‌اند. سوماً این گروه در کشورهای زیادی مانند افغانستان، لیبی، پاکستان و ... پایگاه‌های مهمی دارند. پنجم این که داعش از امکانات مالی قوی برخوردار است.

برای مثال، آمریکایی‌ها به گروه زرقاوی حمله کردند و ۶۰ تا ۸۰ درصد افراد او را همراه با خودش کشتند و ۱۰ تا ۱۵ نفر از اعضای ارشد گروه را به قتل رساندند، اطلاعات به‌دست آمده از رایانه‌های ضبط شده نشان می‌دهد حتی در این مدت هم «القاعده عراق» (که بعدها به داعش تبدیل شد) بسیار خوب سازمان‌دهی می‌شد؛ حتی به خانواده‌های نیروهای کشته شده هزینه‌های ماهیانه پرداخت می‌کردند و مالیات از مردم دریافت می‌کردند. این‌ها وقتی به سوریه رفتند، هنوز هم در میان گروه‌های دیگر، بهترین سازمان‌دهی را داشتند.

داعشی‌های خارجی با داعشی‌های بومی تفاوت زیادی دارند. اتفاقاً داعشی‌های خارجی، خیلی متعصب‌تر و شجاع‌تر هستند. هرگز دستگیر نمی‌شوند و اگر هم دستگیر شوند، با افرادی که آن‌ها را بازداشت کرده‌اند درگیر می‌شوند، تا جایی که کشته شوند. نکته جالب این بود که جوانان اهل کشورهای عضو شورای سابق مانند قزاقستان، پاکستان و چین، قوی‌ترین و بهترین جنگجویان داعشی و عضو گروه‌های عملیات‌های ویژه این گروه بودند.

مسلمانانی که به اروپا مهاجرت می‌کنند احتمال زیادی دارد که زیر خط فقر بروند و نسل‌های بعدی آن‌ها هم شرایط وخیم‌تری پیدا کنند. در فرانسه، از کل جمعیت، صرفاً ۷ تا ۸ درصد مسلمان هستند، در حالی که ۷۰ درصد از جمعیت زندانیان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اروپا هیچ‌گاه در پذیرش شهروندان کشورهای مستعمره خود موفق نبوده است و بنابراین این استعمار تا امروز ادامه پیدا کرده است و حتی افرادی هم که به اروپا مهاجرت می‌کنند، همیشه در سطوح پایین جامعه باقی می‌مانند.

علاقه اروپایی‌ها به پیوستن به داعش از آنجایی نشأت می‌گیرد که این افراد در گروه‌های افراطی، معیارهایی را می‌بینند که برای آن‌ها بسیار متفاوت و ماجراجویانه است و به زندگی‌شان معنا می‌دهد. صرف‌نظر از این‌که اعتقادات تروریست‌ها چه اندازه منحرف و حتی توجیه‌ناپذیر باشد، حرکت این گروه یک حرکت چشمگیر و شاید حتی چشمگیرترین حرکت ضدفرهنگی در دنیای امروز است و همین موجب می‌شود تا برای جوانان غربی جذاب باشد. حتی در فرانسه، بسیاری از افرادی که به داعش پیوسته‌اند، مسیحیان یا حتی بی‌دین‌هایی بوده‌اند که به اسلام افراطی روی آورده‌اند.

حملات تروریستی داعش در اروپا، کاملاً هدفمند است. در کتاب «ادارة التوحش» یا «مدیریت بحران و توحش»، که در واقع کتاب درس داعش است، آمده است که به اعتقاد افراد داعش، اکثر مسلمانان در دنیا در «منطقه‌ای خاکستری» میان «مؤمنان واقعی» (افراد هم‌فکر با آن‌ها) و «افراد بی‌ایمان» هستند؛ و وظیفه آن‌ها، از بین بردن این منطقه خاکستری است. روش انجام این کار این است که باید در کشورهای اروپایی نسبت به مسلمانان نفرت ایجاد کنند تا مسلمانان ساکن این کشورها بفهمند هر مسلمانی که زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشد، صرفاً رنج خواهد برد.

این افراد هر کاری که از دست‌شان بر بیاید برای ایجاد این شکاف و تفرقه انجام می‌دهند. عملیات‌های تروریستی که پدیده جدیدی هم نیستند، کاملاً هدفمند و با همین منظور طراحی شده‌اند تا قربانیانی را بگیرند که هیچ توجیهی برای کشتن آن‌ها وجود ندارد، مانند مردمی که در تناتر یا سالن کنسرت یا ورزشگاه جمع شده‌اند، چراکه این نوع حملات، نفرت از تمام مسلمانان را به دنبال خواهد داشت.

تقویت حضور نظامی آمریکا در عراق و سوریه

پایگاه خبری دبکا فایل اسرائیل ادعا کرده است آمریکا مواضع نظامی خود را در شش نقطه از خاک عراق و سوریه و با هدفی خاص تقویت کرده است.



پایگاه دبکا فایل که به‌گفته برخی وابسته به نظامیان حکومت اسرائیل است، در تحلیلی ادعا کرده است دولت آمریکا در ماه‌های اخیر موقعیت نظامی خود را در شش نقطه از خاک عراق و سوریه و در راستای هدفی خاص تقویت کرده است.

این ویگاه اسرائیلی به نقل از منابع نظامی و اطلاعاتی خود، ادعا کرده است که آمریکا به‌شدت حضور خود را در غرب عراق و شرق سوریه تقویت کرده و قدرت نظامی خود را در شش پایگاه نظامی خود در این کشورها تقسیم کرده است.

دبکا گفته است درست است که رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا ادامه حضور ۱۰۰۰ نظامی این کشور را در سوریه رد کرده اما دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا ادامه حضور ۴۰۰ تن از این نیروها را در سوریه تأیید کرده و منابع نظامی آمریکا نیز خبر از ادامه حضور ۱۵۰۰ تن در سوریه داده‌اند.

بر اساس ادعای این سایت، آمریکا اقدام به انتقال نیرو و تجهیزات خود از سوریه به پایگاه هوایی ۱k در کرکوک کرده است و با تقویت مواضع خود در این پایگاه از طریق اعزام نیرو و تجهیزات، قصد کنترل و مدیریت منطقه مرزی عراق-سوریه را از اقلیم کردستان دارد.

این سایت اسرائیلی، همچنین ادعا کرده است تحلیل آن نشان می‌دهد آمریکا با تقویت دو پایگاه عین اسد و الرمادی نیز قادر خواهد بود شمال، مرکز و غرب عراق را در کنترل خود داشته باشد.

دبکا به سه پایگاه نظامی آمریکا در سوریه اشاره کرده و می‌نویسد: پایگاه تنف در ۲۴ کیلومتری غرب تقاطع مهم مرز سوریه-عراق و اردن قرار دارد و آمریکا اخیراً با اعزام نیروهای دریایی و پیاده اقدام به تقویت موضع خود در این پایگاه کرده است.

این سایت دو پایگاه رقه و رمیلان در سوریه را که در منطقه تحت کنترل کردهای سوریه است به عنوان دو پایگاه دیگر آمریکا در سوریه معرفی می‌کند که واشنگتن در حال تقویت مواضع خود در این پایگاه‌هاست.

دبکا فایل، ادعا کرده است تقویت مواضع نظامی آمریکا در شش نقطه از عراق و سوریه به رسمیت شناختن کنترل حکومت اسرائیل بر بلندی‌های جولان در سوریه از سوی دونالد ترامپ بی‌ارتباط نیست.

جمع‌بندی

احتمالاً نیروهای بومی داعش، در عراق و سوریه مخفی شده‌اند و یا در دیگر نقاط دنیا پراکنده‌اند. به خصوص نیروهای داعش در افغانستان و لیبی پایگاه‌های مهمی دارند بنابراین، نباید تصور کرد که عمر این گروه به کلی پایان رفته است. عراق پانزده ماه پیش اعلام کرد که جنگ با داعش در محدوده مرزهایش به پایان رسیده و نیروهای این کشور مرزهای سوریه و عراق را کاملاً تحت کنترل گرفته‌اند.

داعش در سال ۲۰۱۴ اعلام موجودیت کرد و بخش‌های بزرگی از عراق و سوریه را اشغال کرد. نیروهای داعش زمانی ۸۸ هزار کیلومتر از خاک عراق و سوریه را در کنترل داشتند و هشت میلیون نفر در زیر سلطه این جنگ‌جویان زندگی می‌کردند که با فروش نفت، مواد مخدر، فروش اشیای قیمتی موزه‌ها، خالی کردن پول بانک‌ها، باج‌گیری، سرقت و آدم‌ربایی میلیارد‌ها دلار برای عملیات خود به‌دست می‌آوردند.

اما پس از پنج سال، داعش را از کل این اراضی بیرون رانده شده است. سرانجام با وجود این‌که داعش تقریباً تمام مناطق تحت کنترل خود را از دست داده اما جنگ‌جویان آن، همچنان تهدید امنیتی بزرگی برای منطقه و دنیا محسوب می‌شوند.

اروپایی‌ها در حالی که به پذیرش تعداد بی‌شماری مهاجر نیازمند هستند، روزبه‌روز با فرهنگ «ادغام مهاجران»، بیگانه‌تر می‌شوند. افزایش این تنش‌ها، علاوه بر تکه‌تکه کردن جوامع اروپایی، زمینه را برای قدرت گرفتن جناح راست نژادپرست و نئوفاشیست مساعدتر کرده است. بنابراین اسلام‌گراهای رادیکال مانند القاعده و داعش و حکومت‌های اسلامی مانند حکومت ایران، ترکیه، عربستان و... از یکسو و احزاب نئوفاشیست جامعه اروپا از سوی دیگر، به گونه‌ای اروپا و بسیاری از کشورهای قاره‌های دیگر جهان را دچار ناامنی، جنگ داخلی و بحران کرده‌اند.

اکنون مبارزه برای شکست داعش به پایان رسیده است. در این مورد حکومت مرکزی سوریه و حامیان آن خیال‌شان کمی آسوده شده است. اما اکنون مشغله سیاسی و جنگی آن‌ها را منطقه خودمديريت شورایی روژآوا گرفته است. نه تنها آن‌ها، بلکه برای حکومت ترکیه و حکومت‌های منطقه و تا حدودی حکومت‌های جهان نیز کمابیش تغییر این سیستم مردمی و بازگشت آن به معیارها و ارزش‌ها و قوانین سیستم بورژوازی یک ضرورت است.

تاکنون مسئولان کردستان سوریه، از مذاکره با دولت مرکزی ترسی نداشته‌اند و چندین نشست هم با دمشق داشته‌اند. اما دولت مرکزی در خصوص مذاکره، نه جدی است و نه با سیستم جاری روژآوا موافقت دارد. به علاوه فشار اسد برای انجام هر مذاکره جدی و پایدار باید موافقت حکومت‌های روسیه و ایران را به‌عنوان همپیمانان خود، داشته باشد. در شرایط کنونی وزنه ترازوی مذاکره و توافق با ترکیه برای آن‌ها، سنگین‌تر از روژآوا است.



در این میان، تنها راهی که در مقابل رهبران و نیروهای مدافع خلق روژآوا و به‌طور کلی سوریه دموکراتیک، قرار دارد این است که با حمایت و پشتیبانی افکار عمومی مترقی منطقه و جهان، نقشه راه خود را نه تنها برای آینده روژآوا، بلکه برای سراسر سوریه پی بگیرند حتی جدی‌تر از گذشته! هرگونه عقب‌نشینی از مواضع سیاسی تاکنونی و نزدیکی به حکومت‌ها؛ البته فرقی نمی‌کند این حکومت آمریکا و اروپا و ترکیه باشد یا دولت روسیه و چین و حکومت اسلامی ایران. چرا که همگی آن‌ها از موضع سرمایه‌داری خود، دشمن خودمديريت دموکراتیک در روژآوا و هر کشور دیگری هستند.

البته در این میان، طبیعی‌ست که رهبران روژآوا با هر دولتی که بخواهند تحت لوای دیپلماسی باز مذاکره کنند. اما هرگونه مذاکره بین حکومت مرکزی سوریه و رهبران روژآوا و نیروهای دموکراتیک سوریه، نباید کم‌ترین خدشه‌ای به سیستم تاکنون روژآوا و تغییر آن به نفع سیستم سرمایه‌داری وارد کند.

در عین حال هنوز گروه‌های تروریستی دیگر در سوریه فعالند و حامی اصلی آن‌ها نیز حکومت ترکیه و حامیان آن است. باید به اشغال کانتون عفرین پایان داده شود و ارتش اشغال‌گر ترکیه نه تنها از عفرین، بلکه باید از ادلب، عزاز، جرابلس و الباب نیز خارج شود. همچنین نیروهای حکومت اسلامی ایران، روسیه، آمریکا، حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، حوثی‌های یمن و... نیز از سوریه خارج شوند تا مذاکرات در میان دو قطب حکومت مرکزی و سوریه دموکراتیک متمرکز گردد. حکومت مرکزی سوریه، یک حکومت جانی و جنگ‌طلب و آدم‌کش است. اما اگر مشخص باشد که توافق بر سر آینده سوریه و مردم این کشور و تمام و کمال حقانیت با نیروهای دموکراتیک سوریه است آن وقت فرصت مناسبی برای مردم سوریه فراهم خواهد آمد که با این حکومت

تصفیه حساب کند و آینده جامعه خود را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند. اما به شرطی که همه نیروهای خارجی از سوریه خارج شوند.

مسئله مهم و سخت بعدی پاک‌سازی شمال غرب سوریه از وجود تروریست‌ها و ارتش ترکیه است. برای بازپس‌گیری و مناطق دیگر خودمدریتی دموکراتیک، مقاومت روژآوا بسیار مهم است.

نهایتاً مردم روژآوا و حامیان آن هرگز دست از سیستم خودمدریتی خود برنمی‌دارند و کمترین خواسته‌شان به رسمیت شناختن این سیستم از سوی نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل است.

خودمدریتی دموکراتیک در روژآوا، امتحان خود را در هفت سال گذشته داده و از هر نظر موفق هم بوده است و به همین دلیل، به یک مدل و الگوی جدید مدیریت جوامع در منطقه محسوب می‌شود. از این رو، شکست آن امید و آرزوی بسیاری از نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، چپ، سوسیالیست، کمونیست، آنارشیست، فمینیست، طرفداران محیط زیست و روشنفکران مترقی منطقه خاورمیانه را بر باد خواهد داد و به یاس و ناامیدی و خودبیگانگی شدید منجر خواهد شد. بنابراین همه این نیروها در حمایت و پشتیبانی جدی در جهت بقای سیستم سیاسی روژآوا و تعمیق و گسترش آن، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند.

فراموش نکنیم که هرگونه ضربه به روژآوا و هرگونه تغییری در این سیستم سیاسی و اجتماعی به نفع ارزش‌ها و معیارها و قوانین بورژوازی، ضربه‌ای کوبنده به همه نیروهای انقلابی در منطقه، از جمله ایران است.

باید دولت مرکزی سوریه و حامیان آن را وادار کرد واقعیت خودمدریتی شمال سوریه را بپذیرند چرا که بخش وسیعی از خاک کشور در اختیار مردم کرد، عرب و خلق‌های دیگر قرار دارد.

زمان آن رسیده است که جهان‌پایان‌دانان اکنون بدون حل شدن مسئله مردم کرد، نه تنها موضوع سوریه، بلکه ترکیه و ایران و عراق نیز پایان نمی‌پذیرد. اکنون خواست مردم کرد، خواست تمام خلق‌های تحت ستم منطقه و خواست جنبش‌های حق‌طلب همچون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان، جنبش محیط زیست و جنبش روشنفکران و هنرمندان پیشرو و مترقی است.

سه‌شنبه ششم فروردین ۱۳۹۸ – بیست و ششم مارس ۲۰۱۹